

سلسله نشست‌های آب، فرهنگ و جامعه

متن کامل نشست تخصصی قنات برای آینده

«باید درباره آب گفت و گو کنیم.»

انجمن مطالعات فرهنگی و
ارتباطات

اندیشکده تدبیر آب ایران

انجمن جامعه‌شناسی ایران

مرکز بررسی‌های استراتژیک
ریاست جمهوری



شهریورماه ۱۳۹۴

فهرست

بخش اول : طرح مباحث توسط اعضای پانل

۱	سخن آغازین
۳	آقای دکتر فاضلی
۴	آقای مهندس راعی
۷	آقای مهندس زارع
۹	خانم صادقی
۱۲	آقای دکتر فاضلی
۱۲	آقای دکتر سمسار یزدی
۱۵	آقای مهندس لباف خانیکی
۱۷	آقای مهندس بهشتی

بخش دوم: پرسش و پاسخ

۲۳	آقای دکتر فاضلی
۲۵	آقای مهندس راعی
۲۵	آقای دکتر فاضلی
۲۶	آقای مهندس راعی
۲۶	آقای دکتر فاضلی
۲۶	آقای دکتر سمسار یزدی
۲۷	آقای مهندس راعی
۲۷	خانم صادقی
۲۸	آقای دکتر بهشتی
۲۹	آقای دکتر فاضلی
۲۹	آقای سعدی حاجی میرزایی
۲۹	آقای مقنی
۲۹	یکی از حضار
۳۰	آقای مجید سریزدی
۳۰	آقای مسعود فیاض
۳۰	آقای دکتر فاضلی
۳۱	آقای مهندس راعی

سخن آغازین

نابه‌سامانی‌های ناشی از برنامه‌ها، اقدامات توسعه و نوسازی، و خصایص شیوه زیست ایرانیان، تأثیرات خود را بر حیات جمعی مردمان ایران زمین بر جای گذاشته‌اند. از جمله عوارض ناشی از آن‌ها، تخریب محیط‌زیست و پیدایش بحران‌هایی است که بحران آب از جمله آن‌هاست. توجه به اهداف و الزامات توسعه پایدار در جریان توسعه ایران، مغفول مانده و امروز مشکلات عدیده‌ای بروز کرده‌اند. مشکلاتی که هزینه‌هایشان در درازمدت بسیار بیشتر از منافع کوتاه‌مدت برنامه‌هایی است که باعث بروز این مشکلات شده‌اند. آلودگی آب‌ها و سواحل، نابودی دریاچه ارومیه و زاینده‌رود و کاهش چشم‌گیر آب در کارون و ارس، از بین رفتن بسیاری از تالاب‌ها و آبراهه‌ها حاصل این نوع ناهماهنگی و عدم تعادل در روابط و مناسبات انسان و محیط بوده است.

علی‌رغم بروز آثار و عوارض ناشی از بحران آب در حوزه محیط‌زیست و حتی فضای اجتماعی (مثلاً بوجود آمدن اختلافات و مناقشات محلی و منطقه‌ای در برخی از استان‌های کشور)، هنوز توجه، حساسیت و دغدغه‌مندی لازم در میان عموم مردم و حتی کارشناسان و سیاست‌گذاران آنگونه که باید پدید نیامده است. بی‌توجهی به بحران آب و چشم بستن بر روی اهمیت و پیامدهای آن در کشور، می‌تواند در آینده آثار مخرب و جبران‌ناپذیرتری بر جای گذارد. لذا نیاز است که بحران آب و عوامل و پیامدهای آن موضوع گفت‌وگوی علمی و تخصصی قرار گرفته و متخصصین و صاحب‌نظران عرصه‌های گوناگون مهندسی، جامعه، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ارتباطات در این باره به گفت‌وگو بنشینند.

اندیشکده تدبیر آب ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، و انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات، به عنوان نهادهای مدنی، و مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری، با توجه به اهمیت راهبردی بحران آب، قصد دارند سلسله نشست‌هایی را با شعار «باید درباره آب گفت‌وگو کنیم» در شش‌ماهه دوم سال ۱۳۹۳ برای بررسی ابعاد مختلف بحران آب در ایران برگزار نمایند تا بدین طریق ضمن روشن شدن ابعاد راهبردی بحران آب، بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری گفتمان جدید متناسب با تحولات نو، برای سیاستگذاری راهبردی در این حوزه فراهم گردد.

نشست تخصصی هشتم از این سلسله نشست‌های با موضوع «**قنات برای آینده**» روز سه‌شنبه مورخ ۱۲ خردادماه ۱۳۹۴ از ساعت ۱۷ الی ۲۹ در کاروانسرای رباط نو (سریزد) در مهریز یزد برگزار شد.

این نشست با حضور آقایان

- محمد فاضلی (معاون پژوهشی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری)
- آقای راعی (مدیرکل دفتر پایش شرکت مدیریت منابع آب)
- سید محمد بهشتی (رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری)
- علی اصغر سمسار یزدی (مشاور ارشد مرکز بین‌المللی قنات و سازه‌های تاریخی آبی)

- آقای مهندس زارع (مشاور وزیر جهاد کشاورزی)
- سرکار خانم صادقی (مشاور دفتر یونسکو)
- آقای لباف خانیکی (کارشناس ارشد مرکز بین‌المللی قنات و سازه‌های تاریخی)

به عنوان اعضای پانل و با هدف پاسخگویی به سؤالات زیر برگزار گردید:

۱. با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و فنی آیا می‌توان به قنات به عنوان

راهکاری برای آینده نگاه کرد؟

۲. الزامات و بایدهای توجه به قنات به عنوان راهکاری مبتنی بر توسعه پایدار چیست؟

۳. پیشنهادات و راه‌حلهای تبدیل قنات به یک راهکار برای آینده بر مبنای مدیریت پایدار آب

زیرزمینی چیست؟

بخش اول: طرح مباحث توسط اعضای پانل

دکتر فاضلی:

سلام عرض می‌کنم خدمت همه بزرگواران، حضار، اساتید حوزه قنات، دست‌اندرکاران حوزه قنات، مسئولان استان و همه علاقمندان بحث آب بالاخص قنات که اینجا کنار هم جمع شده‌اند تا درباره این مسئله مهم صحبت کنند. من از دوستان این پنل گفتگو دعوت می‌کنم تا در خدمتان باشیم. من در آغاز دقایقی راجع به این پنل توضیح می‌دهم تا وارد بحث اصلی‌مان بشویم

آقای دکتر سمساریزدی متخصصی با سه دهه تجربه در حوزه قنات و مشاور عالی مرکز بین‌المللی قنات که البته خودشان هم در بخش خصوصی در حوزه قنات فعالیت می‌کنند، به‌عنوان عضوی از پنل همراه ما هستند. ایشان سال‌ها خدمتگزار حوزه آب و قنات بوده‌اند. آقای مهندس رضا راعی، مدیرکل دفتر پایش شرکت مدیریت منابع آب که امروز در خدمتشان هستیم. آقای مهندس محمد بهشتی، آقای مهندس عباس زارع، مشاور محترم وزیر جهاد کشاورزی، از دلسوزان حوزه کشاورزی که خودشان هم اهل مهریز هستند. غیر از عرق آبی، عرق مهریزی ایشان نیز در این نشست کمک ما خواهد بود. بنده هم فاضلی از مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری در خدمت شما خواهم بود. خانم صادقی، مشاور دفتر یونسکو در تهران و فعال در حوزه قنات و همچنین آقای مهندس مجید لباف، کارشناس ارشد مرکز بین‌المللی قنات و سازه‌های تاریخی. پنل ما که برای سه ساعت تنظیم شده و هرکدام از دوستان مدت زمان محدودی را در خدمت خواهد بود. بعد یک بحث و گفتگویی میان اعضای پنل صورت خواهد گرفت و نتیجه را هم رسانه‌ها پوشش می‌دهند و هم در مجموعه اسناد مربوط به این گفتگوهای آب ثبت خواهد شد. گفتگوهای آب پیامدی است از یک نتیجه‌گیری درباره ضرورت عمومی کردن آگاهی مردم و مسئولان درباره حدت و شدت بحران آبی که کشور با آن مواجه است. مشخص کردن ابعاد این بحران و مشکلی که با آن مواجه هستیم. آسیب‌شناسی شکل‌گیری این بحران، چگونه شده که این بحران بوجود آمده و پیدا کردن راه حل برای اینکه بتوانیم این بحران را کنترل کنیم. نشستی که امروز برگزار می‌شود، دوازدهمین مجموعه از این سلسله نشست‌هایی است که از هفته دوم مهرماه ۹۳ شروع شده و در هر نشست موضوع خاصی دنبال شده است. تا الان ما درباره ابعاد مختلف فنی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حوزه آب صحبت کردیم. امروز هم فرصتی است تا درباره قنات صحبت کنیم. من یک جمله دیگر می‌گویم صبح هم این را گفتم و بدلیل اهمیتش می‌خواهم دو موضوع را به هم نزدیک کنم. البته شاید من اشتباه می‌کنم، حداقل پیش خودم اینطور فکر می‌کنم که اگر در عرصه سیاست خارجی یک چیزی مثل پرونده هسته‌ای برای ما خیلی مهم باشد و برای طرف‌های ما هم خیلی مهم است. این گفته بد را که "همه گزینه‌ها روی میز هست" چه دوست داشته باشیم یا نداشته باشیم دائماً می‌گویند. در عرصه سیاست داخلی فکر می‌کنم آب به اندازه پرونده هسته‌ای برای ما اهمیت دارد، چون بحران آب می‌تواند زیست‌پذیری کشور را پایین بیاورد و این زیست‌پذیری پیامدهای خطرناکی خواهد داشت. پس ما مجبوریم همه گزینه‌های در دسترس برای مدیریت منابع آب را روی میز نگه داریم و از همه گزینه‌ها برای

بهترین شیوه مدیریت منابع آب استفاده کنیم. یکی از آن گزینه‌هایی که تاریخ فرهنگ و تمدن ایرانی در اختیار ما قرار داده، گزینه قنات است که سهم بزرگی در اشتغال کشاورزی، تامین آب و بالا بردن توان زیست‌پذیری کشور دارد. این جلسه و اینکه مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری پشت سر این گفتگوها ایستاده است و اینکه امروز ما خودمان در این جلسه حاضر هستیم نشان از اهمیت راهبردی مسئله و بالاخص برای استان‌های مرکزی کشور دارد. بنابراین من می‌خواهم با این مقایسه میزان اهمیتی را که مسئله آب دارد نشان بدهم و اهمیتی که قنات در کلیت مسئله بحران آب در ایران می‌تواند در حیطه مدیریتی داشته باشد.

آقای مهندس راعی

قبل از اینکه درباره بحث قنات صحبت کنم، بهتر می‌بینم تا چند دقیقه‌ای وضعیت منابع آب کشور را نسبت به سال گذشته و میانگین متوسط چهل و چهار ساله که آمارش را در اختیار داریم، در خدمت دوستان ارائه کنم. ما امسال نسبت به سال گذشته وضعیت متوسط بارندگی مان تا به امروز یعنی ساعت ده امروز که به روز شده است صد و هشتاد و دو میلیمتر است. در صورتی که سال گذشته در همین تاریخ دویست و شانزده میلیمتر بود. لذا، می‌بینیم که چهارده درصد نسبت به سال گذشته کاهش بارندگی داریم. این در صورتی است که سال گذشته هم وضعیت مناسبی در کشور نداشتیم و نسبت به میانگین چهل و چهارساله بلندمدت بیست درصد کاهش داشته‌ایم. این نشان می‌دهد ما سیر نزولی بارندگی را در طول تاریخ تجربه می‌کنیم. استان یزد در مقایسه با بقیه استان‌های شمالی ایران وضعیت چندان مناسبی ندارد. ما شش حوزه آبریز اصلی در کشور داریم. که عبارتند از حوزه آبریز دریاچه ارومیه، دریای خزر، ایران مرکزی، سرخس، که در شمال شرق وجود دارد، هامون یا مرزی شرق، که در جنوب شرق هست، و دریای عمان و خلیج فارس که در غرب و جنوب ایران است. پنج حوزه آبریز ما به جز دریاچه ارومیه وضعیت بارندگی‌اش نسبت به سال گذشته و بلندمدت بسیار کاهش دارد و متأسفانه با توجه به اینکه ما سه ماه تابستان هم گرمایی اندکی بیشتر نسبت به سال گذشته داریم و الان ذخایر برفی ما هم تقریباً صفر شده است، عملاً میزان آب حاصل از ذوب برف نداریم. از این به بعد ما شاهد تاثیرگذاری این کاهش بارندگی و نهایتاً جریان‌های سطحی روی ذخایر سدهای ما برای آب شرب صنعت و کشاورزی خواهیم بود که البته اثرات آن از هم‌اکنون قابل لمس است. و نهایتاً باید همه ما در مصرف آب نهایت صرفه‌جویی را بنماییم. اما بحث امروز که مبحث قنات است. من اینجا دنبال این نیستم که نکات پیش‌پا افتاده قنات را اینجا عنوان بکنم. خوشبختانه همه شما بالاخص اهالی که در مهربز در خدمتشان هستیم و دوستانی که در پتل هستند و اساتید علم، بالاخره زیره به کرمان بردن است که من بیایم قنات را تعریف کنم. مستقیماً بروم به اصل مطلب. ببینید کشور ما یکی از کشورهایی است که بالاخره مبدع قنات بوده است. آن را تاسیس و تا حالا هم خوب حفظش کرده است. من پاورپوینتی تهیه کرده بودم که متأسفانه امکانش فراهم نشد که خدمت دوستان ارائه کنم. ما در کشور الان نزدیک به حدود چهل و یک هزار قنات داریم در کشور، که از این چهل و یک هزار قنات، چهار میلیارد مترمکعب آب از زیرزمین دارد استخراج می‌شود این آخرین آماری بوده است که سال ۹۰ در ایران گرفته شده است. در صورتی که در پنج سال آمار سال ۸۵ سی و شش هزار قنات آماربرداری شده است و در همان سال ۸۵ هشت میلیارد مترمکعب آب از

این قنوات از زیرزمین استخراج شده است. شما می‌بینید که با اینکه در آن زمان سی و شش هزار قنات سرشماری شده بود، هشت میلیارد آب از قنوات استخراج می‌شده است در صورتی که در آماربرداری سال ۹۰ به رغم افزایش تعداد قنوات سرشماری شده به حدود چهل و یک هزار، چهار میلیارد مترمکعب استخراج آن کاهش یافته است. خب این‌ها عوامل متعددی دارد یکی از آنها می‌تواند کاهش بارندگی باشد و دیگری می‌تواند خشکسالی باشد. البته عوامل دیگری نظیر حفر چاه‌ها، در بالادست پیشکار قنوات، هم می‌تواند تاثیرگذار باشد. عدم لایروبی قنوات، عدم بازسازی قنوات، می‌تواند تاثیرگذار بر کاهش آبدهی قنوات باشد. امروز در ایران قنوات هم در شرب هم در صنعت و هم در کشاورزی مورد استفاده است. ما امروز در شهرستان مهریز هستیم. آمار قنوات در شهرستان مهریز سیصد و شصت رشته است که حجم آب استحصالی به حدود بیست و هشت میلیون مترمکعب بالغ می‌شود. تعداد دشته قنات‌ها در مهریز سیصد و شصت رشته است درحالی‌که تعداد چاه‌ها سیصد و پنجاه و شش حلقه است. می‌بینیم تعداد چاه با تعداد رشته قنات در شهرستان مهریز تقریباً برابر است اگرچه میزان تخلیه آبی از این سیصد و پنجاه و شش حلقه چاه در حدود هشتاد و پنج میلیون مترمکعب و تقریباً سه برابر قنات است. دلیل این مسأله کمی ذاتی آبدهی قنواتمان بواسطه واقع شدن در مناطق کوهستانی در مقایسه با چاه‌هاست که در پایین دست منطقه قرار گرفته اند. درصد استفاده‌ی هم که همین الان در شهرستان مهریز هم در کشاورزی و هم در شرب می‌شود و هم در صنعت قابل ملاحظه است. نظیر همین در دیگر نقاط کشور هم دارد انجام می‌شود. لذا ما نمی‌توانیم به سادگی از قنات بگذریم. قنات الان در ایران زنده است. از همه مهمتر در مطالعات منابع آب در کشور ما یکی از پایه‌هایمان قنات هست. ما هر پنج سال یکبار بیلانی را در سطح کشور تهیه می‌کنیم که مبین میزان تغذیه است، یعنی از میزان بارندگی یا آب حاصل از ذوب برف که به سطح زمین می‌آید. در حدود چهارصد و یازده میلیارد مترمکعب آب به سطح زمین وارد می‌شود که بیانگر نفوذ ماست. حالا مقداری تبخیر می‌شود و به جو برمی‌گردد، چیزی در حدود هفتاد درصدش. یک مقدارش روان آب می‌شود و در سطح زمین جریان می‌یابد. مقداری نیز نفوذ پیدا می‌کند و در داخل زمین تشکیل سفره‌های آب زیرزمینی می‌دهد. در زمان تعیین بیلان معمولاً می‌گوییم چه مقدار نفوذ در داخل زمین داشته و چه مقدار هم از طریق چاه، قنات و چشمه برداشت داشته‌ایم. اگر برداشت بیش از تغذیه باشد آنگاه می‌گوییم بیلان این منطقه منفی است. یعنی برداشت ما از سفره‌های آب زیرزمینی بیشتر از تغذیه است. استان یزد ما به طور متوسط حدود سیصد میلیون مترمکعب بیلان منفی دارد. با توجه به اینکه ما الان حدود هفتصد و هفتاد هزار حلقه چاه، یکصد و هفتاد هزار دهنه چشمه و چهل و یک هزار رشته قنات در کشور داریم، برای تهیه بیلان از میان این نهصد و هفتاد هزار منبع آبی، تعدادی را انتخاب و آماربرداری می‌کنیم. قنات یکی از منابع انتخابی ما جهت تهیه بیلان است و این نشان می‌دهد که قنات هنوز در ایران زنده است. اگر در مهریز سیصد و شصت قنات داریم هر سیصد و شصت تا را اندازه‌گیری نمی‌کنیم یک تعدادی، در حدود ۳۰ رشته، بر اساس مبنایی خاص انتخاب انتخاب می‌کنیم. این آبدهی را که اندازه‌گیری کردیم، در قالب یک فرمولی به بقیه شهرستان مهریز تعمیم می‌دهیم و می‌گوییم آبی که از قنوات دارد خارج می‌شود چه مقدار است.

از نگاه فنی بایستی در کشور نگاه دقیق و ریزتری روی قنات داشته باشیم و دوستان مطالب در این زمینه را خواهند گفت. از نظر نوع مصرف در هر سه قسمت ما از قنات استفاده می‌کنیم. نکته مهمی که الان می‌تواند به کمک ما بیاید،

فرهنگ ایجاد و استفاده از قنات است. درست است که در شرایط کنونی تعدادش پیوسته رو به کاهش است، ولی ما نباید اینجا را غافل بشویم. ما در زمینه حفاظت منابع آب کشور عموماً به دو مسأله توجه می‌کنیم: حفاظت کمی و حفاظت کیفی. در بعد کمی که عموماً با بیابان منفی روبرو هستیم از خود می‌پرسیم که چیکار کنیم کم مصرف کنیم؟ و چه کنیم که چاه غیرمجاز حفر نکنند؟ بعد دیگر هم حفاظت کیفی است اینکه چه کنیم که آب آلوده نشود؟ چه کنیم فاضلاب وارد آب‌های زیرزمینی نشود؟ در صورت بروز چه برخوردی بکنیم؟ سازمان محیط‌زیست وزارت نیرو، NGOها همگی در این باب ورود پیدا کرده‌اند. در صورتی که به عقیده من حفاظت منابع آب در کشور سه بعد دارد، که ما از یک بعد آن غافل بودیم و هستیم. انشاءالله امیدواریم این نشست‌ها بتواند این بعد سوم را احیا بکند. این بعد، بعد فرهنگی است. ما امروز وقتی یک نفر اقدام به حفر چاه غیرمجاز می‌کند، می‌رویم بازدید می‌کنیم، حکم می‌گیریم، دادگاه می‌رویم، بالاخص می‌رویم در قوه قهریه تا این چاه را مسدود کنیم و فرد را محکوم کنیم که چرا چشمه را دستکاری کرده؟ چرا به حریم قنات تجاوز کرده؟ آیا با این مردم خوب و آگاه و عاقل و هوشیاری که ما در کشور داریم صلاح هست که از طریق قوه قهریه وارد بشویم؟ این حلقه سوم اینجا گم است.

حفاظت فرهنگی چیست؟ امروز شرکت آب و فاضلاب تهران در مسیر قناتی که سالیان سال است حفر شده و بهره‌برداری می‌شود، برای شبکه جمع‌آوری فاضلاب گودبرداری می‌کند. از همینجا الگو گرفته‌ایم. در همین بحث قنات، اگر وارد هنر بشویم حرف‌های زیادی برای گفتن وجود دارد. به طور مثال یک نمایشی را سال گذشته دیدیم به نام "کاریزما"، کاریز یعنی قنات. کاریزما نام روستایی است در یزد. بحث عروسی قنات نکته ظریف هنری در این تئاتر بود که ما از آن غافل بودیم. وقتی آب قنات کم می‌شود، قنات را دامادش می‌کنند. یعنی یک زن بیوه‌ای از همان روستا را در مراسمی مرفه و شاد به عقد آن قنات درمی‌آورند. مشابه مراسم عروسی که ما الان داریم، جمعیت جمع می‌شوند، شادی می‌کنند و شیرینی پخش می‌کنند. نکته ظریفش اینجاست که به این خانم می‌گویند که شما دارید عروس این قنات می‌شوید. مهریه شما در واقع هدایی مردم است. یکی گوسفند، یکی میوه و دیگری پول آورده است. (میوه، پول و گوسفند مشارکت مردمی هستند). می‌گویند عروس خانم این‌ها همه مهریه شماست منتها به یک شرط، که نیمی از این پول که مهریه توست باید خرج داماد کنی برای لایروبی، کفشکنی و پیشکارش. ببینید چه مشارکت مردمی ظریفی در همین عروسی قنات خوابیده است. لذا ورود تئاتر، سینما و فیلم‌های کوتاه، برای غنی‌سازی فرهنگ قنات ضرورتی است که از آن غافل بوده‌ایم. این همان مصداق "گذشته چراغ راه آینده" است که بایستی به کمک قنات آمده و برای پروژه‌های جدیدمان استفاده بکنیم. موضوع بعدی که می‌خواهم در خصوص آن صحبت کنم، قنات و وقف است. همه کسانی که پا به سن گذاشته‌اند می‌دانند، جوان‌ها هم بدانند که در دروه قاجاریه، آن موقع که شبکه شهری نبود، یک منبع آبی ما، آب‌انبارها بود. آن زمان ریش‌سفیدان و بزرگان محل در مسجد دور هم جمع می‌شدند و پول روی هم می‌گذاشتند تا آب‌انبار بسازند یا آب یک قنات را اجاره کنند. در یزد یک روستا داریم در عصرآباد که یک قنات دو دهنه دارد. جالب است یک دهنه در کوچه باز می‌شود و یک دهنه در کوچه‌ای دیگر. در یکی از کوچه‌ها کتیبه‌ای هست که نام پنج‌تن آل عبا را بر روی آن نوشته‌اند و در کوچه دیگر نوشته "گفتار نیک، پندار نیک، کردار نیک". این نشان می‌دهد دو کیش متفاوت در یک روستا در کنار هم می‌زیسته و با مشارکت هم یک سازه آبی را

ساخته و در کنار هم از آن استفاده می‌کنند. وقف هم به همین صورت است. امروز هرچه فریاد می‌زنیم " مشارکت مردمی"، وام می‌دهیم، وام با بهره کم می‌دهیم، بیایید اینجا کمک کنید، کسی نمی‌آید. ما باید آسیب‌شناسی کنیم. چطور در قدیم سازوکارهای مشارکت در سازه‌های تاریخی ما نظیر همین قنات‌ها جریان داشته و الان ما به این سادگی نمی‌توانیم آن را عملی کنیم؟ چون غافل ماندیم از این بعد از قنات. من آخرین آمار را هم بدهم. ما الان برای حفر پیشکار در وزارت نیرو مجوز می‌دهیم. من آخرین آمار یزد را عنوان می‌کنم. در سال ۹۳، ۹۷ مجوز حفر پیشکار دادیم. شش مجوز کفشکنی دادیم. سه تا بغل‌بری و هفت تا لایروبی و سه تا هم مجوز ثبت قنات سندی دادیم. این یعنی آب منطقه‌ای یزد حامی قنات است. کمک می‌کند، مجوز می‌دهد. البته چهار مورد هم مجوز چاه بجای قنات داده است، که این هم دلیل دارد. سه تا از این چهار چاه در ابرقو بوده است. چون مشاهده کردند هر اقدامی می‌کنند، قنات آبدار نمی‌شود. وزارت جهاد کشاورزی از احیای قنات در این ناحیه نا امید شده است. کشت و زرع مردم هم در حال خشک شدن است. لذا ناچار به اعطای جواز حفر چاه شده‌اند. ولی اگر بتوانیم قنات را حفظ کنیم تا خشک نشود نیازی به مجوز چاه هم نیست. ما باید انجمن استادکاران قنات، متشکل از افرادی که عمری را در زمینه قنات کار کرده و دارای تجربه‌اند، تشکیل بدهیم و از آنها حمایت کنیم. ولی مقنی هنوز بیمه نیست. این فرد با چه دلگرمی برود به گالری قنات، قنات حفر کند یا از آن نگهداری کند. اول بیاییم در نسل فعلی انگیزه ایجاد بکنیم و بعد پشت سر قنات بایستیم. وزارت نیرو تمام قد پشت سر احیای قنات، کمک به قنات و اصلاح قانون و آیین‌نامه‌ها جهت حفظ آنها در کشور ایستاده است.

آقای مهندس زارع

من صحبت کمتری با آقای مهندس راعی متفاوت است. جلسه صبح که در معیت آقای دکتر فاضلی در خدمت بهره‌بردار، مقنی و میراب بودیم و درد قنات از زبان خود دردمندان بیان می‌شد، بیشتر و بهتر به دل می‌نشست. پیشنهاد من این است که در بین اعضای پنل هم از ذی‌نفعان و دست‌اندرکارانی که در بخش خصوصی هستند دعوت شود تا مسائل بهتر برای شنوندگان مطرح و از آن بهره‌بردارای شود. در مورد بحث قنات از دیدگاه بهره‌بردار، در کشوری هستیم که نود درصد تولید محصولات کشاورزی مان از اراضی آب و آبیاریست. ولی در دنیا حدود چهل درصد به آب و آبیاری و شصت درصد از دیم استفاده می‌کنند. پس معلوم که تامین و استفاده از آب و آبیاری در تمدن ایرانی نهادینه شده و ضرورت اقلیم ایران بوده است. در گذشته یکی از افتخارات تمدن ما استحصال آب بوده حالا چه به روش قنات، چه در آبندهایی که در شمال کشور هست و چه آن مقسم آب که در جنوب کشور بوده و از آب سطحی استفاده می‌کردند. قنات به عنوان یک مظهر مدیریت و حکمرانی خوب آب نه تنها در ایران بلکه در دنیا شناخته شده است. متأسفانه ما نتوانستیم این سبیل مدیریت آب را که در کشور داشتیم و صد درصد مدیریت مردم، مشارکت مردم، نظام بهره‌بردار، پایدار، بهره‌بردار خوب و دوستی محیط‌زیست در آن نهادینه شده بود، اعتلا بخشیده و یا حداقل حفظ بنماییم. علی‌رغم آمارها متفاوتی که هست، در زمانی ده درصد آب مصرفی کشور از قنات تأمین می‌شده و حالا به پنج درصد یا کمتر یا بیشتر تقلیل یافته است. الان وقتی که صدا و سیما، رسانه‌ها، سخنرانی‌ها بحث بحران آب می‌شود شاخصی تعریف می‌کنند. می‌گویند بهره‌وری مان پایین است. شاخص دوم این که

منابع مان از نظر کمی و کیفی مورد تهدید قرار گرفته است ولی در قنات می بینیم که هم بهره‌وری بالاست و هم منابع را حفظ کرده است. در سال ۸۱ یک تحقیقی انجام شد که بهره‌وری آب قنات با توجه به اینکه دولت هیچ‌گونه سرمایه‌گذاری در پایاب اراضی قنات نکرده است یک و چهار دهم برابر سایر منابع آبی است که در کشور وجود دارد. در مورد کم و کیف آن شاید مهندس راعی بیشتر آمار داشته باشند. حدود پنجاه درصد دشت‌های کشور بی‌لانش منفی است و بحرانی و اگر همین حالا صحبت‌هایی از آب و بحران آب می‌شود و مسائل زیست‌محیطی در کشور مطرح است دلیل آن است که دشت‌ها بحرانی هست. ولی قنات یکی از شاخص‌هایی است که دقیقا می‌توانست جلوی بروز این بحران را بگیرد. در ارتباط با این موضوع من سوالم اینجاست، اکثر کسانی که در پنل نشست‌اند دولتی هستند. چرا ما نتوانستیم از این دستاورد نیاکانمان و این الگوی مناسب استحصال بهره‌برداری آب به‌گونه‌ای استفاده کنیم که مدیون نسل آینده نباشیم و چرا نتوانستیم از ذخایر متعلق به همه نسل‌های کشور به خوبی صیانت و بهره‌برداری کنیم؟ یکی از نتایج مباحث این نشست این است که ما دولتی‌ها درس بگیریم که از این نمود و مصداقی خوبی که در کشور وجود دارد استفاده کنیم. خوشبختانه در هیچ استانی هم نیست که این سمبل و نماد وجود نداشته باشد. در ارتباط با بحث مدیریت آب و مدیریت قنات شاید امروزه احداث قنات چندان مدنظر نباشد. گرچه دوستان مطرح می‌کردند که امروز در خیلی از نقاط کشور احداث قنات هم داشته باشیم. پیشنهاد این است که بیاییم از این الگوی قنات و امتیازات قنات که در هفتصد، هشتصد تا هزار سال پیش وجود داشته و برای پاسخگویی در برخی مباحث کلیدی چون مشارکت و نظام بهره‌برداری که الان یکی از مشکلات مدیریت آب کشور است، استفاده کنیم. الان بحث دیگری که در جامعه در بحث آب مطرح است، بحث حکمرانی خوب آب است. در ارتباط با این موضوع سوالات زیادی وجود دارد که چرا نتوانستیم منابع مان را خوب حکمرانی کنیم؟ خوب مدیریت کنیم؟ اصولی که صاحب‌نظران برای حکمرانی آب در نظر گرفته‌اند یکی بحث شفافیت هست، دوم بحث مسئولیت‌پذیری و سوم بحث مشارکت. وقتی که به قنات مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که در قنات شفافیت هست. شما هیچ قناتی در کشور پیدا نخواهید کرد که دقیقا میزان آبش، سهم آبش، جرعه آبش مشخص نباشد. حالا ممکن است به نام‌های مختلفی در هر محله و منطقه‌یی استفاده شود. ولی حساب و کتاب و تعداد و روزش مشخص، دقیقه‌اش هم مشخص است. ولی ما این اعداد و ارقام و دقت را در مورد سایر منابع مان نداریم. می‌توانیم از قنات در ارتباط با این موضوع درس بگیریم.

اصل مسئولیت‌پذیری خوب. اگر واقعا مسئولیت‌پذیری در مورد قنات نبود و حضور مردم نبود شاید الان در بحث قنات حرفی برای گفتن وجود نداشت. چهل و یک هزار یا سی و شش هزار قنات و یا هر آماری که هست این می‌رساند که اصل مسئولیت‌پذیری مردم بوده که این قنات باقی مانده است و اگر که قنات‌هایمان با کم‌آبدهی مواجه شده‌اند و یا نتوانسته‌ایم اوضاع آبی دشت‌هایمان را خوب مدیریت کنیم، این مشکل برمی‌گردد به جایی دیگر که بایستی آسیب‌شناسی بشود.

در بحث مشارکت، شاید تنها منبع آبی در کشور که مشارکت صددرصدی مردم را در خود دارد قنات باشد. الان هم در بین بهره‌بردارها، میراب‌ها، مقنی‌ها بحث نفقه و بحث اینکه خودشان را مقید می‌دانند که هر ساله نفقه قنات را بدهند تا قنات دایر بماند موضوع قابل تأملی است. علاوه بر اینکه دولت هم بایستی کمک می‌کرد که حالا کمک‌هایش در ارتباط با این موضوع خیلی ناچیز بوده است.

قنات چه انتظاری از ما دارد؟ من فکر می‌کنم برای اینکه بتوانیم این میراث خوب را که از اجدادمان داریم همچنان نو، بالنده و خلاق برای آب کشور باشد. اول می‌بایست به طور کامل این‌ها را در کل کشور، با جانمایی، شناسایی کنیم و این قطعا می‌طلبد که دست‌اندرکارانی که در سیستم دولتی هستند، به این موضوع کمک کنند. در ارتباط با حفظ حریم قنات، امروز در خدمت دوستان و دکتر فاضلی بودیم که این فاجعه‌یی که در مورد قنات‌های حداقل به طور نمونه در شهرستان مهریز اتفاق می‌افتد، عدم حفظ حریم قنات هست که هرکسی به خودش اجازه داده که وارد به حریمی بشود که در گذشته مقدس بوده و الان هم برای خود، هم استان و در سطح وسیع‌تر، در کشور فاجعه بارآورده است. در ارتباط با بحث بهره‌وری آب، از مباحثی که شایسته قنات نیست، عدم استفاده بهینه از آب قنات‌هاست و من خواهم از این جمع این است که با مکانیزیم‌های حمایتی که دولت پیش‌بینی کرده، برای استفاده بهینه از منابع آب قنات بکوشیم. با توجه به قدمتی که قنات داشته، بهره‌وری از آب آن از سایر منابع مان بالاتر بوده است. در مقطع فعلی با توجه به روند گسترش شهرها و تفکیک قطعات و باغ‌ها، الان استفاده‌ی خوبی از آب استحصالی از قنات نمی‌شود. ما می‌توانیم در وضعیت فعلی از تجمیع آب قنات استفاده بکنیم و در ارتباط با روش‌های نوین آبیاری در ارتباط باغات و زمین‌های اطراف آن، بتوانیم با احداث گلخانه بهره‌وری آب قنات را بالا ببریم که یک مقدار از آن به سیانت و نگهداری قنات برمی‌گردد. به اینکه ما می‌خواهیم با کشاورزی سنتی و معیشتی قنات را اداره کنیم؟ از این به بعد واقعاً بهای قنات و ارزش آب قنات بیش از این است که بتوانیم به عنوان یک کشاورز سنتی و معیشتی از آن استفاده کنیم. به این منظور هم بایستی کشاورزها و بهره‌بردارها حرکت و اقدام کنند و هم دولت بستر را فراهم کند. من فکر کنم در بحث تجمیع آب که در ارتباط با روش‌های نوین آبیاری هست می‌توان یک مکانیزیمی را پیشنهاد کرد. این مکانیزم به این شکل هست که ما در ارتباط با سامانه‌های نوین آبیاری اقدام کنیم. برای آبیاری قطره‌ای شش و نیم میلیون تومان برای هر هکتار دولت به طور مستقیم یارانه پرداخت می‌کند و برای آبیاری بارانی پنج میلیون تومان. منتها در مورد بحث قنات اگر که تجمیع انجام بشود، چون خرده مالکی وجود دارد، معمولاً کشاورزانی که مالک زیر یک هکتار هستند تا هشتاد و پنج درصد هزینه‌های اجرای توزیع آب در داخل باغات یا مزرعه‌یی که تأمین آب آن از قنات است، توسط دولت تحت عنوان طرح تجمیع، قابل پرداخت است. صحبت این بود که طرح یکپارچه‌سازی در ایران چندان نتیجه مطلوبی را نداشته، بدلیل اینکه ایران یک کشور خشکی است و بایستی اگر تجمیعی انجام می‌شود براساس محوریت آب باشد نه محوریت زمین. این در سیاست‌های جدید نظام مورد توجه قرار گرفته است. من خواهش و دعوت می‌کنم از کشاورزان که با مراجعه به جهاد کشاورزی و واحدهای ذی‌ربط نسبت به طرح تجمیع اقدام کنند. پیشنهاد می‌کنم شهرستان مهریز هم از این حمایتی که دولت الان برقرار کرده استفاده کند و از این طریق به بهره‌ور شدن قنات‌هایش و اقتصادی شدن آب قنات کمک کند و از این طریق به پایداری آن کمک کند.

سرکار خانم صادقی

من اینجا می‌خواستم دیدگاهی را که ما در یونسکو داریم مطرح کنم. شاید شما با نهاد یونسکو آشنا باشید. سازمانی تربیتی، علمی و فرهنگی از مجموعه سازمان ملل متحد می‌باشد. چهار بخش مختلف دارد که ایران دفتر منطقه‌ای آن را در

اختیار دارد. یعنی چهار کشور را هم تحت پوشش داریم. ایران، افغانستان، پاکستان و ترکمنستان. مبحث قنات‌ها از سال ۲۰۰۵ اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است و در حدود ده سال است که ما در رابطه با قنات‌ها کار می‌کنیم و مرکز بین‌المللی قنات هم در شهر یزد تاسیس شده که وابسته به یونسکو هست و به حق یکی از مراکز بسیار خوبی است که در سطح دنیا مطرح است و کارهای علمی شاخصی در این مرکز انجام می‌شود که از استانداردهای بالایی برخوردار است. در اینجا جا دارد که از آقای مهندس غفوری، دکتر سمساریزدی، مهندس لباف تشکر ویژه‌ای داشته‌باشم برای زحماتی که می‌کشند و همچنین از استانداری یزد، به خاطر حمایت‌هایی که از مرکز انجام می‌دهند. برگردیم سر مبحث قنات. قنات برای یونسکو از دو جهت حائز اهمیت هست: یکی بعد فرهنگی که آقای مهندس زارع هم به آن اشاره فرمودند که نه فقط بخاطر این نبوغی که در مهندسی قنات وجود داشته، بلکه بخاطر آن مشارکت مردمی است که خیلی حائز اهمیت است و ما خیلی خوشحال هستیم که امسال به همت سازمان میراث فرهنگی، یک رشته قنات‌های ایران، که البته خوشه‌ای هست، و چند تا از قنات‌های ایران به ثبت جهانی یونسکو می‌رسند و به عنوان میراث جهانی ثبت می‌شوند. وقتی که به عنوان میراث جهانی ثبت شوند دیگر فقط متعلق به ایران نیستند، متعلق به کل بشریت هستند. و در واقع نقشی که در کل تمدن بشریت ایفا کردند را به دنیا ارائه می‌کنند.

اما بعد دیگری که برای یونسکو حائز اهمیت است فقط این بخش فرهنگی نیست، بلکه آن فنون و روش‌هایی است که در قنات برای تامین آب بوده و شخصاً بر این باورم که هنوز می‌شود در دنیای مدرن برای قنات جایگاهی درخور و شایسته یافت. ما مسلماً نمی‌توانیم به طور کامل به سنت‌هایی که مثلاً مهندس راعی اشاره فرمودند که مثلاً الان خامی را به عقد قنات دریاوریم، رجعت کنیم. چنین شیوه‌های برخوردی دیگر در دنیای مدرن جایگاهی ندارد. ولی مسلماً من به‌شخصه تصور می‌کنم با توجه به اینکه قنات‌ها از خیلی از جهات حائز اهمیت هستند، ترسیم یک جایگاه جدید برای آنها امکان‌پذیر است.

یک جنبه پایداری که در طول در طول هزاران سال رعایت شده این است که هیچگاه به سطح آب سفره‌های زیرزمینی تجدیدنظیر دست اندازی نشده است. این خودش پیام بسیار مهمی دارد که در کل یونسکو این دنبال می‌شود. ولی موضوع این است که چطور می‌شود کاری کرد که قنات‌ها جذاب باشند. امروز صبح از چند قنات بازدید داشتیم و اکثراً یکسری افرادی که خودشان از بچگی درگیر کار قنات بودند هنوز دارند به قنات‌ها رسیدگی می‌کنند و خودشان یک عرق ملی دارند و داوطلبانه برای قنات‌ها زحمت می‌کشند. اما آیا نسل جوان ما هم علاقمند هستند که بخواهند برای پایداری قنات‌ها کاری بکنند؟ با توجه به اینکه ما الان با چالش بحران آب و امنیت غذایی روبرو هستیم و به قول فرمایش آقای دکتر فاضلی نمی‌شود که قنات‌ها را به عنوان یک گزینه مطرح ندانیم بویژه با در نظر گرفتن اینکه این گزینه‌ها از لحاظ بهره‌وری انرژی خیلی پایدار بوده و تلفاتی که بصورت تبخیر در حین انتقال آب انجام می‌شود نیز وجود ندارد. و بویژه اینکه اصلاً هیچگونه نیرویی برای انتقال آن (برق) لازم نیست. مرکز بین‌المللی قنات پروژه‌ی را در عراق انجام دادند که از قنات برای تولید برق استفاده کرده‌اند یعنی مبحث نیروزایی می‌تواند در آن مطرح باشد. ما باید کارهایی انجام دهیم و پروژه‌هایی تعریف کنیم که قنات‌ها را برای نسل جوان جذاب کند. باید هدفگذاری ما نسل جوان باشد. مثلاً سیستم‌های IT را وارد آن کنیم. از کامپیوتر بیشتر استفاده کنیم. بجای اینکه همه چیز اینقدر دستی باشد می‌شود از درپچه‌های خودکار استفاده کرد. می‌شود کارکردهای

جدیدی برای قنات تعریف کرد که البته مرکز بین‌المللی قنات مفصل روی این موضوع کار کرده است. آقای لباف هم در این موضوع ارائه داشتند، مثلا از قنات‌ها برای تولید برق، پرورش ماهی یا مثلا تکنیک‌های تونل‌سازی که الان در دنیای مدرن وجود دارد را در قنات‌ها به کار ببریم تا اینقدر شاهد ریزش دیوارهای قنات نباشیم. یا اینکه مبحثی که مهندس زارع راجع به بهره‌وری آبی قنات فرمودند که متأسفانه اندک است. روی همه این موضوعات می‌شود کار کرد. پیشنهادم این است که یکسری پروژه‌های پایان‌نامه تعریف بشود. یکسری پروژه‌های پایلوت در نظر گرفته بشود. مثلا همین جا که ما در ارگ سریزد هستیم، آقای سمسارزیدی برای چی جایزه یونسکو را گرفتند. برای اینکه ایشان در بخش خصوصی توانستند خودشان با محوریت بخش خصوصی و بدون حمایت دولتی آنجا را مرمت کنند و باعث توسعه گردشگری بشوند و اینقدر موفق بوده‌اند که جایزه یونسکو را هم دریافت کردند. به نظر من در قنات‌ها هم همین‌طور هست. وقتی که باید خود مردم ابتکار عمل را بدست بگیرند، از پروژه‌های پایلوت می‌شود شروع کرد. اتفاقا زمانی با مرکز بین‌المللی قنات صحبت می‌کردیم که پروژه‌هایی تعریف کنیم که با توجه به جایگاهی که قنات در سطح بین‌المللی پیدا کرده، از طریق همین مرکز بین‌المللی در سطح دنیا شناخته شود. مطمئنم کشورهای دیگر مثلا سفارتخانه‌های مختلفی که در ایران هستند حاضرند از این پروژه‌های پایلوت استفاده کنند. ببینید که چطور می‌توانیم علم مدرن را وارد قنات‌ها کنیم تا به جایگاه جدیدی برای آن برسیم. این باید طی یک برنامه‌ریزی دقیق و ارتباطی تنگاتنگ با سازمان میراث فرهنگی انجام شود. باید آن قنات‌هایی که می‌خواهیم کارکرد و ارزش و اهمیت فرهنگی‌شان حفظ شود را جدا کرده و قنات‌هایی که هنوز می‌توانند برای تامین آب نقشی ایفا کنند نیز شناسایی و برای آنها برنامه‌ریزی کرد. شاید لازم باشد تا یکسری کارهای تحقیقاتی انجام داد تا ببینیم در دنیای مدرن چه کاری را می‌توانیم برای آنها انجام بدهیم. همیشه دو دغدغه دارم یکی اینکه این پیامی که بر دوش قنات‌هاست بسیار ارزشمندش می‌کند. الان در سطح جهانی قنات‌ها به عنوان یک نیوغ مهندسی قدیمی ایرانی شناخته شده‌اند و این بحث پایداری قنات‌ها. قنات‌هایی که در طول هزاران سال پایدار مانده‌اند. مورد دومی که الان در ایران با آن مواجه هستیم این است که ما یک ظرفیت بسیار خوبی داریم. این تونل‌های زیرزمینی وجود دارند درحالی‌که اگر بخواهیم این‌ها را با دستگاه‌های مدرن حفر کنیم میلیاردها تومان هزینه برمی‌دارد. این‌ها موجود هستند. اما درست است که این پتانسیل خوبی دارد از آن طرف در شهرها دارد مشکلاتی را بوجود می‌آورد. قنات‌ها در شهرها دو مخاطره ایجاد می‌کنند یکی محل تجمع آلودگی شده‌اند که این می‌تواند زمینه ابتلای ساکنین به بیماری‌های ناشی از آب را فراهم کند. دوم اینکه در خیلی جاها باعث نشست ساختمان‌ها می‌شود و باید برای آن برنامه‌ریزی کرد. چون اگر به همین صورت باشند در درازمدت حتی نه در میان مدت حتما خطراتی را ایجاد می‌کنند. شاید بشود برای آنها کارهای گردشگری در نظر گرفت. و در آخر این نکته که خوشبختانه الان با تلاش‌هایی که با محوریت مرکز بین‌المللی قنات و سازه‌های تاریخی آبی انجام شده، الان قنات‌ها در سطح جهانی شناخته شده هستند و مهندسی آب همه واقعا در تحیر هستند از نوعی که پشت این قنات‌ها بوده است. با توجه به این پتانسیلی که وجود دارد جا دارد که پروژه‌های پایلوتی روی آن تعریف بشود و از طرف یونسکو هم ما همه جور اعلام آمادگی می‌کنیم که بخواهیم هرگونه حمایتی در این زمینه انجام بدهیم.

دکتر فاضلی

از خانم صادقی تشکر می‌کنم بابت گفتگوهایشان درباره قنات و همین که جزو نادر سخنرانان جهان هستند که پانزده دقیقه وقت داشتند و تنها ده دقیقه حرف زدند. من اجازه می‌خواهم از آقای دکتر سمساریزدی دعوت کنم که هم ایشان را تشویق کنید بابت اینکه سه دهه از عمرشان را حداقل صرف قنات کردند هم به احترام قنات و هم به احترام ایشان تشویقشان کنید.

آقای دکتر سمساریزدی

من مطالبی را آماده کردم و یادداشت کردم تا از روی متن بگویم. به نام حضرت پرودگار، اینجانب نمی‌توانم شادمانی خودم را از بابت ابتکار مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، اندیشکده تدبیر آب ایران و سایر مشارکت‌کنندگان در برگزاری سلسله نشست‌های آب، فرهنگ و جامعه پنهان نمایم. مخصوصاً آنکه در هر نشست موضوع خاص نقل مجلس گشته و علاقمندان و خبرگان همان موضوع را نیز گرد هم می‌آورند. کاش این مجالس بیست یا سی سال پیش برگزار می‌شد. البته شاید این افسوس بی‌مورد باشد. چرا که شکل‌گیری هر موضوع سیر تطوری مخصوص به خود را می‌طلبد. بایستی زمان بگذرد تا پخته شود خامی. از طرف دیگر هر موضوع به فضای اجتماعی خاص خویش احتیاج دارد و باید مقبول جامعه چه کارگر و چه کشاورز، کارمند و کاسب چه استاندار، فرماندار و امام جمعه و نماینده قرار گیرد. به یاد دارم هنگامی که موظف شدم تا اولین شورای حکام مرکز بین‌المللی قنات و سازه‌های تاریخی آبی را برگزار نمایم. از نمایندگان تعدادی از کشورها دعوت نمودم تا در اجلاس شرکت کنند که اکثراً بعلت تقارن آن با فضای آن موقع کشور روی خوش نشان دادند و شرکت نمودند. سال بعد نماینده دور قبل افغانستان که معاونت وزارت منابع آبی آن کشور بود شرکت نمود. زنگ زدم و گلابه کردم که منتظر بودیم و ما را از حضورتان محروم نمودید و از این قبیل تعارفات که خلاصه اگر شرکت می‌نمودید برای متصدیان قنات‌های افغانستان تعریف می‌کردیم و در نتیجه آتیه خوبی برای قنات‌های افغانستان رقم می‌خورد و الی آخر. پاسخ داد که شما هم دلت خوش است اینجا تنگدستی غوغا می‌کند. هر روز در گوشه‌ای جنگ و ناامنی است. منابع مالی دولت محدود است. در تامین آب سالم شرب برای بعضی از جوامع مانده‌ایم. نفست از جای گرم درمی‌آید و ما را به شرکت در اجلاس و سپس دوره آموزشی قنات دعوت می‌کنی؟ در اینجا موضوعات اولویت‌دار عدیده‌ای نسبت به قنات داریم. حق را به او دادم به این دلیل که در برابر کوهی از مسائل قرار داشت که قنات در مقابل آن هیچ بود. این همه گفتم تا بگویم هرکاری بستری می‌خواهد. تضارب آرا و اندیشه‌ها در مورد آب و مدیریت آن فضای مخصوص به خود را می‌طلبند و خوشبختانه بستر و میزبان خود را پیدا نموده و خوشحالی من از این بابت است که نهادی چون دفتر بررسی‌های استراتژیک به این قبیل اقدامات روی خوش نشان می‌دهد و خریدار اظهار اساتید و خبرگان و مجربین هستند و اما به سوال برگردیم. آیا قنات را باید فراموش کرد؟ یا به کاریز می‌توان به عنوان راهکاری برای آینده نگاه کرد؟ من سوال را تکرار می‌کنم که در ذهن دوستان بماند. آیا قنات را باید فراموش کرد؟ یا به کاریز می‌توان به عنوان راهکاری برای آینده نگاه کرد؟ این در واقع سوالی بوده که دفتر بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری از ما خواستند که جواب بدهیم که من و آقای مهندس لباف بین هم تقسیم کردیم.

اگر اجازه بفرمایید، سوال را به دو سوال تبدیل نموده و اینگونه مطرح می‌نمایم آیا قنات فراموش می‌شود؟ در واقع بجای آیا قنات را باید فراموش کرد می‌گوییم آیا قنات فراموش می‌شود؟ سوال دوم آیا به کاریز می‌توان به عنوان راهکاری برای آینده نگاه کرد؟ اگر بفرمایید خارج از فلسفه‌بافی و هرگونه صغری و کبری به هر سوال جواب آری یا نه بده؟ اینگونه پاسخ می‌دهم آیا قنات فراموش می‌شود؟ جواب آری. آیا به کاریز می‌توان به عنوان راهکاری برای آینده نگاه کرد؟ جواب آری. ممکن است بفرمایید اینکه جمع اعداد است. یعنی چنانچه پاسخ تو در قبال سوال اول آری باشد باید در مورد پاسخ دوم نه بشنویم. می‌گویم به قول حضرت علی بن موسی الرضا (ع) به شرطها و شروطها که طبق دستور کار انجام شده با مهندس لباف ایشان به شرطها و شروطها می‌پردازند و اینجانب به سوال اول. یعنی آیا قنات فراموش می‌شود؟ واقعیت آن است اگر قرار باشد روند مدیریت و بهره‌برداری و نگهداری و محافظت از قنات‌ها روند هفتاد سالی گذشته باشد دیری نخواهد پایید که قنات‌ها فراموش می‌شوند. شما در شهر یزد از مردم در مورد مشهورترین قنات‌ها نظیر سلسبیل، مردوا، ارنبا، دژشیخی، اشکذر، دولت‌آباد، صدرآباد سوال بفرمایید و منتظر پاسخ بمانید. عمدتاً پاسخ می‌دهند که نمی‌شناسیم. قنات صدرآباد اردکان آب را از سفره زیرزمینی چرخاب یزد به اردکان در فاصله شصت کیلومتری منتقل می‌کرد و آبدهی آن در حدود دویست تا سیصد لیتر در ثانیه بود. حال از اهالی اردکان راجع به این قنات سوال کنید. مشاهده می‌فرمایید که چگونه این شاهد حیاتی که هر جرعه‌یی را از سهمش قدمت نجومی داشته و به همین دلیل در مهر و کابین خانم‌ها قرار می‌گرفته، حال به بوت‌های فراموشی سپرده شده است. به این ترتیب سوال آیا قنات فراموش می‌شود؟ به سوال چرا قنات فراموش می‌شود؟ تبدیل می‌گردد. سوالی که پاسخ آن بسیار ساده است. برای اینکه کارکرد اقتصادی - اجتماعی خویش را از دست می‌دهد. برای اینکه از نگاه بهره‌برداری خارج می‌شود و به قول متصدیان قنات فوت آن ثبت می‌گردد. اما سوال، سوال می‌آورد. سوال بعد اینطوری مطرح می‌شود چرا قنات از مدار بهره‌برداری خارج می‌شود؟ پاسخ به این سوال می‌تواند روشنگر افق قنات و آینده آن باشد. در حقیقت مجموعه عواملی وجود دارند که در شرایط مختلف با شدت و ضعف ورود پیدا نموده و موجب توقف کارکرد قنات می‌شوند.

اولین آن، ساده‌ترین آن و در عین حال مهم‌ترین آن، کاهش حجم مخازن آب‌های زیرزمینی و یا به عبارت ساده‌تر افت سطح آب‌های زیرزمینی است. چنانچه قنات توانسته است قرن‌ها پایداری خود را حفظ نماید به علت سازگاری آن با محیط‌زیست است. قنات به عنوان یک سیستم طبیعی برداشت آب از سفره همواره متناسب با آب تغذیه شده به سفره از آن برداشت نموده و نه بیشتر. اصلاً امکان آن را نداشته که بیش از آن برداشت نماید. چرا که از ساختاری افقی بهره‌مند است. و این موضوع راز ماندگاری و پایداری قنات‌ها را در طی صدها سال تشکیل می‌دهد. تا اینکه غرب آمد و روش برداشت آب از سفره را از طریق پمپ به ما یاد داد. همگان از این بابت شادمان و مسرور شدیم و گوی رقابت را از یکدیگر در حفر چاه‌های ژرف و بهره‌برداری از آنها ربودیم. از منابع آب‌های زیرزمینی بیش از ظرفیت ورودی آنها برداشت نمودیم و از این بابت خوشحال و شادمان بودیم و هستیم که هزاران زمین‌های لم‌بزرع را زیرکشت برده‌ایم و کشاورزی و تولید را متحول کرده‌ایم و حال آنکه غافل از آن بودیم که هرگاه بیش از تغذیه برداشت کنیم افت سطح آب ایجاد می‌کنیم و هنگامی که سطح آب پایین و پایین‌تر رفت و از سطح راهرو و بخش ترک‌های قنات گذشت کاریز چندساله خشک می‌شود. البته خبرگان و

استادکاران و مقنن قنات بر این موضوع واقف بودند و هستند ولی کو گوش شنوا؟ پدرم می‌گفتند نیمی از دعاوی که در دهه سی و چهل در صحن محاکم یزد مطرح بود مربوط به شکایت صاحبان قنات از صاحبان چاه‌های نوظهور بود که به حریم آنان تجاوز نموده و طرح دعوا و شکایت از صاحبان قنات کرده بودند. این دعاوی معمولاً به ضرر صاحبان قنات و به نفع صاحبان چاه که نوعاً افراد متنفذ بودند پایان می‌یافته است. به عنوان نمونه قاضی از شاکی چاه جفر سوال می‌کند که حریم قنات شما تا کجاست؟ و حفر چاه در چه فاصله‌یی از آن مضر است؟ پاسخ دریافت می‌کند که حریم قنات من تا بندرعباس ادامه دارد. می‌گویند چگونه تا بندرعباس؟ پاسخ می‌دهد، بروید و مانع ورود پمپ‌ها و ماشین‌آلات حفاری در گمرک بندرعباس بشوید. بنابراین متصدیان قنات ریشه موضوع را به خوبی دریافته بودند. آمارها نشان می‌دهند به همان نسبت که بر تعداد چاه‌های عمیق و دینامیک افزوده می‌شود بر تعداد قنات‌های فعال کاسته شده و از آن مهمتر آنکه آبدهی آنان کاهش می‌یابد. خب اگر این روند ادامه یابد قنات‌ها از مدار بهره‌برداری خارج شده و فراموش می‌شوند. بویژه آنکه تغییرات آب و هوایی هم مزید بر علت شده، کاهش بارندگی در مناطق خشک و نیمه‌خشک میزان آب تغذیه‌شونده به سفره را کاهش داده و خشک شدن قنات را تشدید می‌نماید. باز برای فراموش شدن قنات شاهد دیگری بیاورم بعضی از کشورها گوی سبقت را از ایران در حفر چاه و بهره‌برداری غیرمنطقی از سفره‌ها ربوده‌اند. بنابراین در باب بهره‌برداری غیرمنطقی از سفره‌ها چند دهه از ما پیشرفته‌ترند. اگر می‌خواهید وضعیت قنات ایران را در سال ۱۴۲۰ تصور نمایید هم اکنون سفری به اسپانیا، مراکش و یا الجزایر داشته باشید. کشورهای که اراضی گسترده‌یی را بوسیله شبکه‌یی از قنات‌ها مشروب می‌کردند و با حفر چاه برداشت از منابع آب‌های زیرزمینی خود را به شدت توسعه دادند. به گونه‌ای که همینک اثری از قنات در آنها یافت نمی‌شود. البته کشور اسپانیا چندتایی از آنها را به عنوان اثر تاریخی و نه سیستمی پایدار که در تامین آب شرب صنایع کشاورزی مشارکت داشته حفظ نموده است. به عبارت دیگر قنات را وارد موزه کرده است.

علت بعدی این است که قنات کارکرد اقتصادی خود را از دست داده است. قنات روزگاری به علت ایفای نقش در اقتصاد کشاورزی مولد ثروت بود و لذا توجهات به آن معطوف می‌گشت. تجار یزدی معمولاً یک سوم از سرمایه خود را صرف احداث قنات و ایجاد مزرعه می‌نمودند. چرا که بر ارزش اقتصادی آن واقف بودند و می‌دانستند که به محض جاری شدن آب، زارعین برای اجاره نمودن آب به مزارع جدید الاحداث با یکدیگر رقابت می‌نمودند. شاهد دیگر اینکه در زمان رضاشاه بخش عمده‌یی از غرامت‌های مالیاتی یزد را مالیات‌هایی که بر اراضی کشاورزی وضع می‌شدند تشکیل می‌داد. به عبارت دیگر این قنات بود که موجب پرداخت مالیات می‌شد. پرواضح است که مالیات به سراغ درآمد می‌رود و غرامت در جایی هست که سرمایه هست و قنات یکی از آنهاست. حال قنات به دلایل تغییر سازوکارهای اجتماعی و اقتصادی ارزش خود را از دست داده است و بعضی صرف پول را نه تنها برای احداث آن بلکه برای ترمیم و مرمت آن نیز اتلاف منابع می‌دانند. قنات دیگر مولد ثروت نیست. بنابراین مرمت و نگهداری آن پرداخت نمی‌شود. دیگر کارکردن در قنات و استحصال آب ارزش نیست. بنابراین مقنی تربیت نمی‌شود. قنات نقش آفرین نیست. بنابراین حریم آن نیز مورد حفاظت قرار نمی‌گیرد. قنات در گذشته شاه‌رگ حیاتی یک روستا و حتی شهر را تشکیل می‌داد. تهدید قنات در ردیف تهدید جامعه محسوب می‌گردید و مرگ آن معادل بود با فنای سکونتگاه مرتبط با آن. بنابراین بیشترین همکاری را و مساعدت برای ادامه بقای آن صورت می‌پذیرفت و همین موضوع

پیوندهای اجتماعی را تقویت می‌نمود؛ حال آن جرعه از طریق پمپ به سفره‌ها متصل شده است. بنابراین در برابر فنا و یا بقای قنات بی‌تفاوت شده است. به عبارت دیگر در شرایط فعلی انگیزه‌بی برای حفظ قنات باقی نمانده است. بنابراین حریم آن حفظ نمی‌شود و دانش آن نیز نسل به نسل منتقل نمی‌گردد و دیگر خبره و مقنی تربیت نمی‌شود.

حال اگر بخواهیم سوال دوم یعنی به کاریز به عنوان راهکاری برای آینده نگاه کنیم بایستی به ریشه‌هایی که ذکر شد پرداخته و بستر رفع آنان را فراهم نماییم. یعنی برگردیم به سرخط و شرطها و شروطها را واکاوی کنیم. موضوعی که دوست عزیز و ارجمند و همکار گرامی آقای مهندس لباف خانیکی به آن خواهند پرداخت.

آقای مهندس لباف خانیکی

من فکر می‌کنم پاسخ سوال دوم در توضیحات دکتر سمسار مستتر بود. چرا که اگر قنات فراموش شده دلایل این فراموشی را آقای دکتر اشاره کردند و اگر بخواهیم قنات‌ها را به نوعی به زندگی جدیدی برگردانیم و روح جدیدی در کالبد نیمه‌جان قنات‌ها بدمیم باید دوباره به همان دلایل نابودی‌شان برگردیم. من یک مدلی را اینجا تهیه کردم تا دلایل و موارد را فراموش نکنم. قنات برای آینده ما می‌تواند دو نوع میراث داشته باشد یعنی دوگونه دستاورد و ما می‌توانیم در آینده از این‌ها بهره‌برداری بکنیم و بهره‌برداری از میراث قنات شاید بتواند کمک کند به بازآفرینی آب و بازآفرینی این فناوری کهن.

یکی میراث ملموس قنات هست و دیگری میراث ناملموس آن. میراث ملموس مابه‌ازای خارجی دارد یا همان فیزیک قنات یا ساختار فنی و مهندسی قنات که ما می‌توانیم این را به سه گونه به آن تجلی بدهیم. یکی قنات و کارکردهای جدید هست که استاد عزیز دکتر سمسار اشاره داشتند؛ اینکه ما با دادن کارکردهای جدید به قنات می‌توانیم این میراث ملموس قنات را دوباره بازیابی و احیا بکنیم. به عنوان مثال اگر در بخش گردشگری بهره بگیریم و قنات را وارد بخش گردشگری بکنیم، ارزش افزوده می‌دهیم به قنات و بازدهی اقتصادی قنات را افزایش می‌دهیم و به این ترتیب شاید انگیزه اقتصادی بیشتری برای حفظ قنات ایجاد بکنیم. تجربه‌یی که در بعضی کشورهای موفق بوده، مثلاً در چین، در استان سین‌چیانگ چین سه تا موزه قنات اولی در سال ۱۹۹۲ و یکی پس از دیگری ایجاد شده است و آخری هم حدود چهار پنج سال پیش بوده است. تعدادی از قنات‌های داخل این موزه به نوعی بازیابی و احیا شده‌اند و نوعی کارکرد اقتصادی جدید به قنات داده شده است. ما در استان یزد پتانسیل خوبی برای داشتن قنات‌های گردشگری داریم که می‌شود روی آن فکر کرد. خانم صادقی اشاره کردند می‌شود کارکردهایی مثل استفاده از انرژی آب قنات را به قنات اضافه کرد. همانطور که این‌ها مبانی‌اش در گذشته بوده است یعنی از انرژی آب قنات در گذشته برای دواندن آسیاب‌ها استفاده می‌کردند. سنگ‌های سنگین آسیاب را با جریان آب قنات می‌چرخاندند و الان خب گندم به آن شکل تولید نمی‌شود و محصول تضمین شده توسط دولت خریداری می‌شود و دیگر توسط کشاورزها دپو و به آرد تبدیل نمی‌شود. اما می‌توانیم از همان اختلاف ارتفاعی که در تونل کوره قنات هست دوباره استفاده بکنیم این بار نه برای گرداندن آسیاب‌ها، برای گرداندن توربین‌ها و این توربین‌ها شاید بتواند برق مورد نیاز حداقل خود قنات را مخصوصاً در قنات‌های گردشگری تامین بکنند.

قنات و تغییر اقلیم میراث ملموس دیگری است که ما می‌توانیم به آن اشاره بکنیم. ما مدعی این هستیم که کشور ما خاستگاه این فناوری کهن و زیست‌بوم‌سازگار هست. بسیاری از کشورها بدلیل تغییرات اقلیمی به سرنوشت خشک ما دچار می‌شوند. در خیلی از کشورها شرایط آب و هوایی تغییر می‌کند و این تغییر شرایط آب و هوایی کشورهایی که در گذشته منابع آب‌های سطحی نسبتاً مناسبی را داشته‌اند به استحصال آب‌های زیرزمینی متوسل می‌کند. ما می‌توانیم پیشنهاد بکنیم شما گرفتار چاه‌های عمیق نشوید. از این فناوری کهن و پایدار و زیست‌بوم سازگار استفاده کنید و ما دانش بومی را در اختیار داریم و می‌توانیم به کشورهای دیگر ارائه کنیم.

قنات و کشاورزی پایدار یکی دیگر از میراث ملموس ماست. ما در گذشته، در تمدن قناتی، در مناطقی مثل یزد بجای اینکه طبیعت و منابع آب را با نیازهای خود هماهنگ کنیم (کاری امروزه می‌کنیم) برعکس، خود را با منابع آب هماهنگ می‌کردیم. به این ترتیب با قنات سرریز آب زیرزمینی را استحصال می‌کردیم که این سرریز می‌توانسته مساحت مشخصی از زمین‌های کشاورزی را آبیاری کند. زمانی که آب، به تبع کاهش میزان بارندگی، کم می‌شده میزان آب خروجی قنات کاهش پیدا می‌کرده است. مردم در چنین شرایطی آیش‌ها را افزایش می‌دادند. زمین‌های آیش، زمین‌های آیش کشاورزی کوچک می‌شدند. الگوی کشت را تغییر می‌دادند. بجای کشت محصولات پرآب مثل گندم می‌آمدند جو می‌کاشتند یا اگر سال‌های گذشته چغندر یا شبدر می‌کاشتند این بار نمی‌کاشتند و محصولاتی که کم آب‌خواه بودند را بیشتر کشت می‌کردند و خودشان را با طبیعت سازگار می‌کردند و نه طبیعت را با خودشان. این علاقه نیاز دیگری است که ما می‌توانیم قنات را وارد مزرعه‌های زیست محیطی بکنیم و مزرعه‌هایی که مدعی و متقاضی تولید محصولات زیست محیطی هستند می‌تواند به عنوان یک سنبل مورد استفاده قرارگیرد. من خیلی سریع و فهرست‌وار جلو می‌روم و میراث نامحسوس قنات که شاید مهم‌تر از میراث ملموس آن باشد را اشاره می‌کنم. همانطور که بزرگواران و استادان من اشاره کردند جناب آقای مهندس راعی خانم مهندس صادقی و دیگران میراث ناملموس قنات عبارت است از آن روحی که از رهگذر استفاده از قنات در جوامع در تمدن قنات دمیده شده است، مثل روح تعاون و همیاری در یک قنات، مثل قنات قصبه گناباد که با بیش از هزار سهام‌بر بدون هیچ‌گونه اختلاف و تنش و مشکلی با هم همکاری، تعاون و همیاری می‌کنند. ما مدیریت پایدار آب زیرزمینی را در قنات داریم که این مدیریت موضوع خیلی جالبی است که خودش را در سه بخش نشان می‌دهد. مدیریت تغذیه سفره و مدیریت تامین آب و مدیریت مصرف آب. آقای مهندس زارع هم به این سه قسمت در صحبت‌هایشان اشاره کردند. مدیریت تغذیه سفره در واقع بحثی است که ما می‌توانیم از قنات بگیریم و این را حتی اگر قناتی نداشته باشد به لحاظ فیزیکی در واقع این روح استفاده از قنات این میراث ملموس قنات را می‌توانیم هنوز به کار ببندیم. مدیریت تغذیه سفره در قنات به این معنی است که در گذشته آبخیزداری بومی داشتند و برای اینکه سفره را دوباره تغذیه کنند و آب بیشتری را در سفره وارد بکنند از بندهای زیرزمینی و از گورآب‌ها استفاده می‌کردند. آبخیزداری بومی به این شکل که در بالادست قنات می‌آمدند گونه‌های نیمه‌وحشی و گونه‌های کم آب‌خواه هستند مثل سماق مثل بادام اینها را می‌کاشتند که به نوعی هم مثمر بودند و هم اینکه از ایجاد روان‌آب‌ها جلوگیری می‌کردند و نفوذ روان‌آب‌ها را در سفره افزایش می‌دادند و به تغذیه قنات کمک می‌کردند. بندهای زیرزمینی داشتند که در بعضی از قنات‌ها مثل قنات مرزبان در مناطقی که چهار فصل نیستند مانند استان اصفهان، در زمانی که در زمستان

خیلی به آب قنات نیاز ندارند، آب قنات طبق نیروی ثقل خارج می‌شود سدهای زیرزمینی را عمود بر جریان آب ایجاد می‌کردند و آب را در پشت این ذخیره می‌کردند. سدها در جایی ساخته می‌شده که کمترین خرابی و یا اصلاً خرابی در قنات نداشته باشد و آب را ذخیره می‌کردند زمانی که به آب نیاز داشتند و در آغاز فصل زراعی رها می‌کردند و همچنین در سطح زمین جلوی روان‌آب‌ها و سیلاب‌های فصلی را با ایجاد بندها و گورآب‌ها می‌گرفتند و آب را به زمین نفوذ می‌دادند و به تغذیه سفره کمک می‌کردند. در واقع اینها به ما می‌گویند که قنات بخشی از یک اکولوژی انسانی بوده است و یک اکولوژی یعنی رابطه بین انسان و محیط و فرهنگ و فرهنگ و تکنولوژی و در محیط یک چرخه نظام مندی وجود داشته و یک ارتباط سیستماتیک بین همه این اجزا برقرار بوده است. همه اجزا همدیگر را تامین و تایید می‌کردند و هیچ عضوی و هیچ جزیی باعث از بین رفتن جز دیگر نمی‌شد و قنات در طول صدها سال و بلکه هزاران سال تکامل تکنولوژیکی خودش را جا انداخته است و خودش را به عنوان بخش مهمی از این اکولوژی انسانی معرفی کرده است. این شاید برای ما درس بسیار بزرگی هست که اگر می‌خواهیم تکنولوژی‌های دیگر را جایگزین کنیم به دنبال آنهایی باشیم که به همین ترتیب بتواند بخشی از اکولوژی انسانی باشد و پایداری استفاده از منابع طبیعی را تامین بکند. یکی از بخش‌های مدیریت پایدار منابع آب زیرزمینی که از طریق قنات اتفاق می‌افتاده مدیریت تامین آب بوده است که بر نظام‌های سنتی و بومی تسهیم آب و نظام‌های سنتی تقسیم آب متکلی بوده است. در مورد قنات شاید بشود گفت زیرساخت مردم‌سالاری و دموکراسی می‌تواند باشد. ما در واقع پتانسیل و سرمایه اجتماعی بزرگی در تمدن قناتی در این منطقه داریم. در اینجا صدها و بلکه هزاران نفر در کنار هم قرار می‌گرفتند و آب را تقسیم می‌کردند و فردی به عنوان مسئول میرآب بوده و تقسیم آب می‌کرده است و آن فرد هرگز به اقتداری نمی‌رسیده که بتواند قدرتش را بر دیگران تحمیل بکند و منابع زیستی و منابع روستا را در اختیار خودش بگیرد. بلکه فردی منسوب می‌شده اگر که اهالی از عملکردش راضی نبودند معذول می‌شده که کاملاً دموکراتیک این اتفاق می‌افتاده است و این سرمایه اجتماعی بزرگی است که می‌تواند یکی از میراث‌های ناملموس قنات باشد و در اختیار آیندگان قرار بگیرد.

آقای مهندس بهشتی

عریاضی که دارم را می‌خواهم معطوف بکنم به صحبت‌های جناب آقای لفاف و جناب آقای سمسار. نمی‌دانم خبرش به دوستان رسیده است یا نه. ما تا سال ۱۴۲۰ در بحران آب به سر خواهیم برد. هر چقدر هم جلوتر می‌رویم شدیدتر می‌شود و من شخصاً بسیار خوشحالم از این اتفاقی که دارد می‌افتد. چون فکر می‌کنم که مسلماً در سال ۱۴۲۰ نه قنات فراموش می‌شود و نه حذف. اما چرا؟ سرزمین ما یک سرزمین خیلی خاصی هست و یک سرزمینی هست که همه ظرفیت‌های زیستی و نه فقط آب در آن بالقوه هست و ما ظرفیت زیستی بالفعل زیادی نداریم. یعنی اگر انسان خلاق و مبدل ظرفیت‌های بالقوه زیستی را از این سرزمین حذف بکنید، فقط چوپانی در این سرزمین می‌توان کرد و هیچ جوری دیگری نمی‌شود زندگی کرد. فقط باید در جاهایی که یک علفی سبز می‌شود مثلاً ۴ تا بز چرانید و بهمین رویه امرامعاش کرد. در این سرزمین فقط و فقط با خلاقیت از قوه به فعل در آوردن منابع می‌شود زندگی کرد. تاریخ را هم که شما بنگرید، از آغاز یک جانشینی که کهن‌ترین آثارش در این سرزمین هست تا قبل از ۷۰ سال پیش وجود داشته و ما رفتارمان با سرزمین‌مان همین بوده است.

برای استحصال منابع زیستی سرزمین مان، ناگزیر بودیم که خودمان عضوی اکوسیستم باشیم و نه عنصری خارج از آن. تمام تلاشمان این بود که اکوسیستم را در محیط زیست خودمان اعتلا ببخشیم. این کاری بوده است که می‌کردیم. این رویکرد را شما مقایسه بکنید با محیط اروپا. در محیط اروپا منابع زیستی بالفعل هستند و بالقوه نیستند. در محیط بالفعل، شما هنرتان نباید این باشد که یک چیزی را از قوه به فعل در آورید. در محیط بالفعل هنر شما باید این باشد که چگونه آن منبع زیستی بالفعل را به چنگ بیاورید. ببینید شما در تاریخ اروپا نگاه بکنید می‌بینید در منابع اصلی زیستی اروپایی‌ها هیچ وقت در پدید آمدن منبع ایفای نقش نمی‌کردند و ضرورتی نداشت. اما در این سرزمین شما هر منبع زیستی را که سراغش را بگیرید ناگزیر بوده‌اید که از قوه به فعل در آورید. یعنی اگر که اهل از قوه به فعل در آوردن نبودید، نمی‌شد در این سرزمین زندگی بکنید. در صورتی که در اروپا می‌شد زندگی کرد و برای همین در اروپا شما این وضع را دارید. مجموعه‌ای از منابع زیستی داشتید که بالفعل بودند. ما اروپا را خیلی وقت‌ها عوامانه اروپای فعلی در نظر می‌گیریم در حالی که اروپا تا قرون وسطی سرتاسر جنگل بود. جنگل دشمن زیست در اروپا بود و اینها از زمانی که توانستند از وسایل فلزی تبر بسازند و درختان را بپرنند از قرون وسطی یعنی از ۱۰۰۰ سال تا ۱۲۰۰ سال پیش تا قرن هیجدهم، تمام اروپا را از جنگل پاک کردند. چرا؟ به خاطر اینکه به مثابه مانع زیستی شمرده می‌شد. در اروپا شما باید از یک مانع بزرگ زیستی عبور بکنید تا به یک منبع زیستی دست پیدا بکنید. برای همین زیستن در اروپا موکول هست به این که شما عضو سامانه زیستی نباشید، حتماً باید علی‌رغم سامانه زیستی باشید و اگر این طور نبود اروپا نمی‌توانست مهد محیط زیست بشر باشد. در سرزمین ما زیستن موکول به این هست که ما عضو سامانه زیستی باشیم و نه علی‌رغم سامانه زیستی. از یک جایی منبعی یافتیم که رفتار ما را به اروپایی‌ها شبیه کرد. اتفاقاً خود اروپایی‌ها هم برای ما پیدا کردند و آن نفت بود. ما در پدید آمدن نفت هیچ نقشی ایفا نکردیم ما چیزی را از قوه به فعل در نیاوردیم. از روزگاری که نفت در سرزمین مان کشف شد همینطوری خام فروختیم تا امروز، شما می‌دانید تا پایان دوره قاجار قبیح بود که ما ماده خام از کشورمان به جای دیگری صادر بکنیم. هیچ ماده خامی از سرزمین مان به خارج صادر نمی‌کردیم. اما از زمانی که نفت پیدا شد در واقع به خام‌خواری و خام‌فروشی و خام‌صادر کردن ما عادت کردیم. این رفته رفته در همه اعضا و جوارح ما نفوذ کرد و به جایی رسید که حالا حوصله نداریم این پدید آمدن آب هم ایفای نقش بکنیم. این همان شیوه‌ای بود که در اروپا رایج بود و ببینید فقط در مورد آب نیست، در مورد کشاورزی هم هست، در مورد اهلی کردن حیوانات هم هست و در مورد معماری و شهرسازی و صنعت هم هست. همه چیز ما مطابق همین الگو بوده و این الگو را من الگوی پرستارانه نامگذاری کرده‌ام. یعنی باید پرستاری بکنیم آن منبع را و در اثر پرستاری، آن منبع اعتلا پیدا بکند. مثل آنچه باغبان با باغ خود می‌کند. همه چیز در جای خودش هست. آب سر جای خودش و درخت هم که سر جای خودش هست. در این میان باغبان باغ را پرستاری می‌کند. برای همین هست که کسانی که اهل بصیرت نیستند می‌گویند عجب زمین حاصلخیزی اما آنها که اهل بصیرت هستند می‌گویند عجب باغبان توانایی و دست باغبان درد نکند. چون در صورت عدم وجود آن باغبان، اصلاً باغی وجود نداشت. علی‌رغم اینکه این آب بود، زمین بود و همه این چیزها بود، باغبان باید اینها را پدید می‌آورد.

در محیط اروپا شما ناگزیر هستید از اینکه تبعات شکارگر باشد. از زمانی که نفت به چرخه اقتصادی مان وارد شد ما رفته رفته در همه چیز دچار احوال شکارگری شدیم. همین الان در همین جا به چیزهایی نگاه می‌کردم که دلالت بر احوال شکارگری ما می‌کند و دارد همه زندگی ما را به هم می‌ریزد. پنکه‌مان آنجا کار می‌کند و چون پنکه به برق وصل هست و حالا بگذار روشن باشد. ما نقشی در پدید آوردنش ایفا نمی‌کنیم. می‌دانید تا ۷۰ سال پیش امکان نداشت این اتفاق بیافتد و می‌دانید که امکان نداشت از این بیلبوردها به در و دیوار بزنند. بیلبوردهایی که وقتی این جلسه تمام می‌شود، نمی‌دانید چکارش باید بکنید. چرا اینها از زندگی ما حذف نمی‌شوند؟ به خاطر اینکه ما دچار احوال شکارگری شده‌ایم و خوشبختانه کشور ما دارد دچار بحران آب می‌شود و شدید هم هست. تخمین می‌زنند که ۵۰ میلیون نفر از جمعیت سرزمین ما مشکل آب خواهند داشت. من به شما قول می‌دهم ۱۵ سال دیگر شما در نقاط دیگری از کشور زندانی‌های خاصی خواهید داشت که مجرمانش، جرمشان کشاورزی خواهد بود و به جرم کشت زمین زندان می‌افتند. در سال ۱۳۳۵ در کشورمان ۱۳۵ هزار روستا داشتیم امروز حالا بر اساس روایتی می‌گویند حدود ۶۰ هزار تا و یک روایت دیگر می‌گوید ۴۰ هزار تا. در ۲۰ هزار تا حدود ۲۰ خانوار ساکن بوده‌اند و صحبت می‌شود که روستاهایی فقط با دو خانوار داریم. به شما قول می‌دهم که تا ۱۰، ۱۵ سال دیگر می‌رسیم به حدود ۲۰ هزار روستا و اون ۲۰ هزار روستایی که ما توانستیم با برنامه‌هایمان نابودش بکنیم. یعنی بر می‌گردیم به قبل از دوره اشکانیان. می‌دانید در دوره اشکانیان قنات رواج پیدا می‌کند و البته از خیلی دورتر ما این فناوری را داریم تمرین می‌کنیم. ولی از دوره اشکانیان هست که قنات رواج پیدا می‌کند. از دوره اشکانی تا دوره قاجار هر چی نقطه قابل زیست در ایران هست شناسایی می‌شود و اتفاقاً مهمترین عاملی که اجازه می‌دهد که ما بتوانیم این نقاط بالقوه قابل زیست را قابل زیست بکنیم قنات هست. برای همین هست که ما در کشور حدود ۵۰۰ هزار رشته قنات داریم و همینطور هست و حالا شما آمارش را باید بگویید ۴۱ هزار. خیلی بیشتر از اینها بوده. ما فقط و فقط ۱۳۵ هزار تا روستا داشتیم این روستا‌های ما حداقل یک قنات داشتند. چرا می‌گویید ۴۰ هزار تا؟ خیلی بیشتر هست. ۵۰۰ هزار رشته قنات عدد زیادی نیست و الان شده ۴۱ هزار تا که از آن آب برداشت می‌شود. الان ۴۱ هزارتایش را موفق نشده‌ایم که بخشکانیم. این را هم یک خرده تلاش بکنیم می‌خشکانیم.

عرض من این هست اگر قرار هست در این مملکت زندگی بکنیم، در این سرزمین زندگی بکنیم، ببخشید باید عاقل بشویم و باید برگردیم و دوباره عضو اکوسیستم شویم و این خیلی کار پیچیده و سختی هست. ببینید بحران آب که جدید نیست. الان صدایش دارد در می‌آید و از خیلی قبل‌تر دوستان ما در وزارت نیرو می‌دانستند این را ولی اولش بهانه‌های اینطوری هست. می‌گویند حالا مخفی‌اش بکنیم که بحران اجتماعی ایجاد نشود و بعد یک خرده جلوتر می‌رود می‌گوییم یک خرده صرفه‌جویی بکنید. امسال می‌گذرد اگر بتوانید ۱۰ درصد صرفه‌جویی بکنید. این را می‌گذرانید بعد می‌بینید با صرفه‌جویی هم نمی‌شود و بالاخره ۲، ۳ نفر لو می‌دهند. اتفاقاً آن کسی که باید صرفه‌جویی می‌کرد خود دولت بود و وقتی که ما می‌آییم دو تا صنعت بزرگ مثل فولاد مبارکه و ذوب‌آهن را کنار جدی‌ترین رودخانه فلات مرکزی‌مان که زاینده‌رود هست می‌نشانیم و که تقریباً همه آب این رودخانه را خودش مصرف می‌کند، آنوقت به مردم می‌گوییم صرفه‌جویی بکنید. خوب این یواش یواش لو می‌رود و یواش یواش مردمی که در جنوب این رودخانه هستند سر و صدایشان در می‌آید. چرا آب کوه‌رنگ باید

بباید یزد و خوب سر این قضیه سر و صدا می‌کنند. آنوقت از آنطرف می‌بینیم که این بحران دارد پیش می‌رود و از این طرف می‌خواهیم صدایش در نیاید و می‌آییم از کوه‌رنگ آب می‌کشیم و می‌آوریم یزد. بعد در روزنامه می‌خوانم و می‌بینم در یزد پرورش مرغابی راه انداخته‌اند. آخر مگر یزد جای پرورش مرغابی هست؟ این بوالهوسی هست که ما در مصرف آب داریم، ناشی از احوال شکارگری هست. خوب حالا ببینید چقدر آدم باید متقاعد شود و دست از این احوال بردارد؟ یعنی آن سیاستمدار ما، آن مهندس هیدرولیک ما و آن برنامه‌ریز ما، آن اقتصاددان ما و همه اینها یکی یکی تا بچه مدرسه ما دانه دانه باید متقاعد شوند و این طول می‌کشد و خدا روشکر ۳۰ سال این بحران ادامه دارد چون ۳۰ سال کفایت می‌کند. اگر دو سال بود، زود می‌گذشت و می‌گفتند الحمدلله که تمام شد و دوباره می‌رفتیم سر روش قدیم‌مان. هنوز شما می‌بینید که دنبال این هستیم که حالا اگر بحران طول بکشد برویم با این پول نفت آب شیرین کن بیاوریم، آب از خلیج فارس بیاوریم. مثلاً دوباره باز به همان روند قبلمان باشیم. من به شما قول می‌دهم هیچ کدام این راه‌حل‌های شکارگرانه نمی‌تواند مشکلات ما را مرتفع کند. اینها فقط و فقط منابع ما را نابود می‌کند. ما باید عاقل بشویم و باید متناسب با محیط‌مان بشویم. باید هم‌جنس محیط‌مان شویم. ما از آغاز هم جنس محیط‌مان بوده‌ایم. ۷۰ سال است که حالمان خراب شده. باید حالمان خوب شود و از این جهت من می‌خواهم خواهش کنم اصلاً نگاه فانتزی به قنات نکنید. قنات درس‌های بسیار زیادی دارد و یک کسی که سازش از کوک خارج شده است، گوشش هم از کوک خارج شده است. یعنی حتی اگر صدای خوش هم بشنود نمی‌فهمد که این صدا خوش است یا ناخوش. حالا اگر یک تار کوکی به دیوار دارد این تاره به چه دردی می‌خورد؟ توریسم بباید تماشا بکند؟ این تار را ما باید بنوازیم و گوش‌هایمان را با آن کوک بکنیم. قنات هست که به ما نشان می‌دهد چه طور بوده که در طول هزاران سال ما هیچ وقت منابع فرزندانمان را شکار نکرده‌ایم. اما در طول این ۷۰ سال ما منابعی را شکار کردیم که بعضی‌هایش تا ۸۰۰، ۹۰۰ سال دیگر نمی‌تواند پر شود. یعنی ما پول از جیب نوادگان خودمان تا ۱۰۰۰ سال دیگر خرج کرده‌ایم. یعنی حالمان چقدر خراب هست و حالا توریست بباید تماشا بکند. این قنات نشان می‌دهد که ما چقدر نسبت به سرزمین‌مان مرتکب خیانت و جنایت شده‌ایم. چقدر مسیر را غلط رفتیم. امروز اشاره کردند و گفتند این قنات یک جایی خطر دارد و تهدید می‌کند. من به شما می‌گویم در شهر تهران که می‌روید، ۱۳۰۰ رشته قنات وجود دارد که با شاخه‌های انشعابی‌اش تا ۱۶۰۰ رشته می‌رسد. ما به دلیل بد عمل کردن آمدیم فاضلاب‌ها را همه را وصل کردیم به قنات‌ها. آب قنات هنوز جریان دارد و فاضلاب‌هایمان هم قاطی شده است. حال ببینید در منطقه‌ای مثل زندان قصرم یک نم باران می‌زند و همه اهالی آن منطقه بدبخت می‌شوند، چون آب فاضلاب از زیرزمین‌هایشان بالا آمده است. خوب، نفرین بکنیم کسانی که این قنات‌ها را زده‌اند؟ باید مواخذه بکنیم آن کسانی که یک همچین بلایی سر بستر طبیعی این قنات آورده‌اند. چرا حریم قنات‌های ما رعایت نشده و روی قنات ساختمان ساخته شده است؟ در صورتی که قانون داریم که باید حریم قنات رعایت شود. حالا بباییم بگوییم که مثلاً قنات خطر دارد و تهدید می‌کند؟ غلط کرده این ساختمان را اینجا ساخته است. باید خراب بکند و حریم قنات را رعایت بکند. ممکن هست این حرف‌ها به نظر حرف‌های درشتی بباید ولی ما قرار هست در این سرزمین زندگی بکنیم و اگر قرار هست زندگی بکنیم شیوه‌هایمان را باید تغییر بدهیم. ما این را بلد بودیم. اشاره کردند که ما احتیاجی به عقد قنات نداریم بله این درست هست اما درس‌هایی در آن وجود دارد. می‌دانید در منطقه خراسان مقنی‌ها با لباس سفید

می‌روند داخل قنات و اگر در این جریان حفر قنات کشته شوند شهید محسوب می‌شوند. و ما حتی مقنی‌ها را بیمه نمی‌کنیم. ببینید چقدر سازمان از کوک خارج شده است. در سنت ما شهید محسوب می‌شود و آنوقت در رفتار روزمره مقنی را بیمه نمی‌کنیم. من می‌گویم اینها همه برای ما درس دارد و این درس‌ها را باید گفت. تا زمانی که ما دچار بحران آب نمی‌شدیم این حرفها فانتزی بود. می‌گفتند افتخار بکنیم به آن قدیم‌ها در زمان کوروش که ما این همه فناوری داشتیم و چشم‌آبی‌ها و مو بورها همه سر تعظیم در برابر این خلاقیت فرود م‌آورند ولی باز هیچ درسی نگیریم. نه، همه فرصت افتخار کردن را از دست دادیم. الان فرصت عاقل شدن هست و فرصت دوباره دست برداشتن از این احوال شکارگری و عضویت در سامانه. حالا بلد نیستیم و فراموش کرده‌ایم و دچار نسیان شده‌ایم. حالا چگونه می‌شود دوباره عضو سامانه شد و عضو اکوسیستم شد؟ نشانه‌هایش همین‌ها هست. یک روز در سازمان میراث فرهنگی مدیر ما از شیراز اطلاع داد و گفت روی رودخانه خشک شیراز یک پل هزار ساله هست. شورای تامین تصویب کرده این پل در برابر سیلی که ممکن هست بیاید تهدید هست و دستور داده این پل را منفجر بکنند و از بین ببرند. آن پل هزار ساله مربوط به آل بویه بود. گفتم حالا سرشان را گرم کنید تا من بیایم. رفتیم آنجا و من از کنار رودخانه نگاه کردم. بعد نگاه کردم این پایه‌های پل رفته است در خاک. معمولاً پایه روی عرشه‌ای می‌رود. گفتم این عرشه پل کجاست؟ گفت ۳/۵ متر پایین‌تر هست. این باقی‌اش آوار ساختمان‌هاست. تمام مدت در طول این ۷۰ سال شهر شیراز در بستر مسیر ساخته می‌شده است. بعد گفتم آیا این پل ۵ تا دهنه دارد؟ گفت ۷ تا دهنه دارد ولی دو دهنه‌اش را هم گرفته‌اند و خیابان کرده‌اند. یک رودخانه‌ای را که خودش اندازه سیل‌های شیراز بوده و عرضش ۷ دهنه بوده کرده‌اند ۵ تا و کفش را هم ۳/۵ متر بالا آورده‌ایم. خوب معلوم هست که شیراز را تهدید می‌کند. چه چیزی به ما می‌گوید که اندازه‌های آن رودخانه چقدر هست؟ همین پل. اگر این پل را خراب بکنید هیچ شاهدهی وجود ندارد که اندازه‌های این رودخانه چقدر باید باشد و من می‌گویم قنات درس‌های بسیار زیادی دارد که البته باید محاسبه بشود. یعنی ما باید در عصر خودمان از این درس‌ها بیاموزیم و این‌ها را قاب نکنیم بگذاریم بالای طاقچه. همین امروز هم ما می‌توانیم از این‌ها استفاده بکنیم. یعنی غیر از قنات‌هایی که مثل قنات غصبه گناباد می‌خشکد، گناباد هم می‌خشکد. شبیه این حتماً شما خیلی قنات در منطقه یزد دارید که نمی‌توانید راجع به بود و نبودش صحبت بکنید. غیر از آن درس‌های زیادی دارد برای زیستن در این سرزمین. حالا یکی‌اش قنات هست و ما حالا در مطالعاتمان حتماً به سازه‌های عظیم عجیب و غریب آبی که در این سرزمین داشتیم و تا پیش از این استفاده می‌کردیم، حتماً آنجا اسنادی داریم. ببینید ما برای هر قطره آبی که وارد این سرزمین می‌شده است نقشه داشته‌ایم. اگر این قطره آب می‌باریده‌است، نه جاری می‌شده و نه در زمین فرو می‌رفته، بلکه یک لایه نازکی از زمین را فقط خیس می‌کرده است و کشت دیم داشته است. تا ۷۰ سال پیش چند درصد کشت ما دیم بود بعد کردیمش دیمی یعنی یک چیز بی‌معنی و مسخره‌اش کرده‌اید و اگر این آب روی سطح زمین جریان پیدا می‌کرد با بند و هزار تکنیک این را مدیریت می‌کردیم و زیر سایه قرار می‌دادیم یک جوری که بتوانیم حداکثر بهره‌وری را بکنیم. اگر در زمین می‌رفت قنات را با ابزار و تمهیدات قطره قطره‌اش را استفاده می‌کردیم. یعنی هیچ صحنه‌ای نبوده است که از آن استفاده نکنیم. یعنی این طبع پرستاری، آب پرستاری می‌کرد، از قوه به فعل درآوردن تا انتقال دادن تا بهره‌وری همه صحنه‌ها، همه صورت‌های مختلفش را مدیریت می‌کرد و برای همین من توصیه‌ام این هست که از این فرصت مغتنم بحران ۳۰ ساله آب

حداقل کسانی که سازشان هنوز یک خرده کوک هست استفاده کنند. دریاب وقت را دو ریال ای زیان رسیده وقت تجارت هست.

بخش دوم: پرسش و پاسخ

آقای دکتر فاضلی

آقای مهندس یک نکته‌ای گفتند در مورد اینکه ۲۸ میلیون متر مکعب از آب شهرستان مهریز از قنات تهیه می‌شود و ۸۵ میلیون متر مکعب از چاه‌ها و حالا گذشته از این که این چاه‌ها امروز مشخص شده است که با محیط زیست و ساختار آبی هستند ولی به هر حال این ۲۸ میلیون متر مکعب میزانی نیست که بشود از آن صرف نظر کرد و خیلی فانتزی به آن نگاه کرد و از کنارش گذشت. آقای مهندس زارع نکته‌ای را در مورد قنات به عنوان مظهر حکمرانی خوب آب طرح کرده‌اند که این حکمرانی خوب آب در ایران کماکان مورد مناقشه است. با این حکمرانی خوب می‌شود به عنوان یک مدل از قنات استفاده کرد. هم بحث بهره‌وری بالا از قنات را طرح کردند که آب قنات استفاده شود و بعد از اینکه از قنات خارج می‌شود بحث استفاده مناسب از قنات را داشته باشیم که می‌تواند در دستور کار قرار بگیرد. خانم مهندس صادقی بحثی را در مورد اهمیت فرهنگی و اهمیت فنی قنات تعریف کردند و اینکه چگونه قنات می‌تواند به عنوان یک سرمایه فرهنگی و یک سرمایه زیستی و یک سرمایه در عرصه بین‌المللی و در ایران طرح باشد و از آن استفاده کرد و پیشنهادهای داشتند درباره پروژه‌ها و هتل‌های جدیدی که روی آنها می‌شود برای قنات تعریف کرد. آقای دکتر سمساری در مورد اینکه قنات می‌شود فراموش شود هشدار دادند و درباره کارکردهای قنات و اینکه آن کارکردها باید احیا شود و وقتی آن کارکردها برای قنات احیا شود، می‌تواند قنات‌ها بخشی از اکوسیستم زندگی ایرانی هم باشند. آقای نواب هم نکاتی را درباره نقش قنات‌ها در میراث ملموس و میراث ناملموس جامعه ایرانی طرح کردند و اینکه باز هم با دادن کارکردهای جدید به قنات‌ها، آنها می‌تواند به عنوان بخشی از اکولوژی زندگی جامعه ایرانی تعریف شوند. بحث آقای مهندس بهشتی هم که آخرین بحث دوستان هست. ولی فکر می‌کنم کنار همه نکات مهمی که گفتند گذر از یک جامعه پرستار به محیط زیست به یک جامعه شکارگر نسبت به محیط زیست مفهومی هست که می‌شود برای آن تاکید کرد و من چند تا سوال بین بحث‌های دوستان از آقای مهندس زارع پرسیدم و در کنار آنها چند تا نکته مطرح شد. این چند تا نکته را در حد ۳ دقیقه می‌گویم و امیدوارم که بشود روی آنها کار کرد: ۱- ارتقاء درآمد کشاورزی، من فکر می‌کنم در ایران تا زمانی که قنات‌ها مایه ارتقا درآمد برای کشاورزان نشود، یعنی اصلاح نظام کشاورزی صورت نگیرد و کشاورزی به فعالیت درآمدزا تبدیل نشود، قنات‌ها کارکرد خودشان را پیدا نمی‌کنند و تامین منابع برای حفظ صیانت قنات‌ها دشوار خواهد بود. برای این حتماً باید یک بحرانی و یک فرایند پر درد و پر دردسری را طی بکنیم تا کشاورزی ایران سطح مطلوبی از بهره‌وری قرار بگیرد.

نکته دوم دولت و نفی حاکمیت مالکان قنات. دولت‌ها در ایران حاکمیت مالکان قنات را نفی کردند و این حاکمیت نفی شده قنات‌ها را بی حریم کرده است. من از صبح دارم به یک مفهومی فکر می‌کنم برای جلسه فکر می‌کنم تا این مفهوم را کنار مفهوم جامعه شکارگر آقای مهندس بهشتی بگذارم که آن هم جامعه بدون حریم هست. من هر چه از صبح دارم فکر می‌کنم می‌بینم که ما حریم جاده را به رسمیت نشناخته‌ایم، حریم لوله را به رسمیت نشناخته‌ایم، حریم جنگل را به رسمیت

نشناخته‌ایم، حریم قنات را به رسمیت نشناخته‌ایم، حریم خصوصی مردم را به رسمیت نشناخته‌ایم، حریم استفاده از اینترنت را به رسمیت نشناخته‌ایم، حریم خصوصی خانه را نشناخته‌ایم و حریم مالکیت را به رسمیت نشناخته‌ایم. این جامعه بدون حریم که امیدوارم درباره‌اش بیشتر بنویسم، برای ما هیچی باقی نگذاشته است. قنات هم قربانی این جامعه بدون حریم شده است. یعنی جامعه‌ای که هر کجا دلش می‌خواهد هر کاری انجام می‌دهد و خویش هم از ۷۰ سال پیش همین خوی شکارگری هست. دولت هم در همین جامعه بدون حریم دائماً حریم قنات‌ها را نفی کرده است. دوستان صبح در جلسه بودند و عمدتاً از این شکایت می‌کردند که سازمان‌های دولتی در حریم قنات‌ها مداخله می‌کنند و آب برمی‌دارند و به چاه‌ها مجوز می‌دهند و ویلا می‌سازند و موسسه می‌سازند.

نکته بعدی را من از راهنمایی آقای مهندس زارع استفاده کردم. من از ایشان پرسیدم که ما در ۴۰ سال گذشته چقدر خرج قنات کردیم ایشان حضور ذهنی که داشتند فرمودند که ۲۵ هزار کیلومتر قنات را ما در ۴۰ سال گذشته مرمت کردیم. متوسط قیمت امروز هر کیلومتر مرمت قنات می‌فرمایند حدود ۵۰ میلیون تومان هست. معنی این حرف این هست که ما در ۴۰ سال گذشته ۱۲۵۰ میلیارد تومان صرف احیای قنات‌ها کرده‌ایم. آگاهان نسبت به مدیریت سازه‌ای در ایران می‌دانند که این رقم، هزینه احداث یک سد متوسط هست. به طور مثال برای سد گوتنوند با همه فجایعی که به بار آورده در حدود سه هزار و هفتصد میلیارد تومانی هزینه شده‌است. این ۳۷۰۰ میلیارد تومان تنها هزینه ساختش شده است. امروز از رقمی بین ۷۰۰ تا ۱۲۰۰ میلیارد تومان برای احداث خط لوله‌ای برای خروج آب شور آن به سمت ماهشهر بحث می‌شود. یعنی این پروژه در مجموع ۵ هزار میلیارد تومان هزینه برداشته است و حالا داریم خرج می‌کنیم تا از شر آن راحت شویم. در مقابل این داستان خیلی عجیبی است که در یک بازه زمانی ۴۰ ساله تنها ۱۲۵۰ میلیارد تومان خرج قنات‌هایمان کرده‌ایم و جالب‌تر اینکه هر چقدر بحران تشدید شده این خرج نیز کمتر شده است. در یک دوره‌هایی، مثلاً ۲۰ سال پیش، مخارج قنات نسبت به امروز بیشتر بود. حالا آنهایی که روی سد کار می‌کنند حقوق‌های خوبی می‌گیرند و این درحالی است که مقنن قنات حتی بیمه هم نمی‌شوند. این نکته مهمی در جامعه ماست. من اسمش را اقتصاد سیاسی داستان آب می‌گذارم. آنجا شرکت‌هایی وجود دارند و آنجا پول‌هایی هست و آنجا منابع انباشته‌ای هست و قدرت سیاسی مداخله می‌کند. به هر جهت من فکر می‌کنم علیرغم اینکه قنات در زیر زمین هست، ولی خیلی روی زمین سیاسی است و مدیریت قنات را باید بخشی از آن اقتصاد سیاسی دید.

نکته بعدی اینکه به نظر من، ما دچار یک پوپولیسم غذایی هم شده‌ایم که این خیلی خطرناک هست. جاهای دیگر خوانده بودم ولی از صبح که اعتراض‌ها را می‌شنوم خیلی بهتر می‌بینم که دائماً به دادگاه‌ها درباره تخطی و حریم قنات‌ها شکایت می‌شود و قضات دائماً به نفع تخطی‌کنندگان رای می‌دهند. در استدلالی که می‌کنند می‌گویند که یک چاه زدند و ۳، ۴ تا درخت آباد کردند. معنی این حرف این هست که هر کی ۴ تا درخت آباد کرد می‌تواند یک قنات را و به تدریج یک تمدنی را یواش یواش از بین ببرد. بنیان یک سیستم برای اینکه بخشی از اکوسیستم شود این حریم هست و آن نظام غذایی. من فکر می‌کنم باید یک بازنگری در آن شود و در این پوپولیسمی که نظام قضاوت و قضایی از آن حمایت می‌کند بایستی بازنگری شود. بازگشتن و بازنگری در این دو مورد آخر یعنی اقتصاد سیاسی آب و نظام قضایی ضروری است. شاید قضات

قوه قضاییه بدشان بیاید ولی بهتر است یک سری به قنات بزنند و درباره قنات بیشتر بدانند. چون ظاهر قضیه نشان می‌دهد که از دهه ۳۰، ۴۰ قضات به نفع کسانی رای دادند که قنات‌ها را تخریب کردند.

سوال اول: نسل قنات و کارشناس و نماینده مقنی‌ها ۱۰ سال پیش انجمن قنات را تشکیل دادند، طرح قنات و گردشگری و اینها هم پیشنهاد آن گروه بود، ولی با تفکر دولتی حمایت نشد و بیمه‌ای هم که طرح گردید، عملی نشد. من در این جمع فکر نمی‌کنم کسی باشد که پاسخگوی این باشد مگر اینکه آقای مهندس راعی خودشان را در مجموعه وزارت نیرو ببینند. بقیه حامی این هستند که قنات‌ها هم حمایت شوند و هم مقنن‌ها بیمه‌شوند. من به نوبه خودم سعی می‌کنم بحث بیمه قنات‌ها و مقنی‌ها را به عنوان خروجی این جلسه طرح کنم.

آقای مهندس راعی

من در جریان این موضوع هستم. چندین سال پیش اعضای جامعه مقنی‌ها انجمنی را تشکیل دادند و پیشنهاد بیمه مقنی‌ها را مطرح کردند. البته می‌دانید که انجمن‌هایی هم برای چاه هست و هم برای چشمه و نمایندگانی دارند و این تشکل که با هم تحت عنوان تشکل‌های آب‌بران می‌آیند. و لذا وزارت نیرو به صورت مستقیم وارد این قضیه نمی‌شود ولی حمایت از تشکیل انجمن را خواهد کرد. تا جایی که من اطلاع دارم، این پیشنهاد به مرکز بین‌المللی قنات شد ولی انجام آن در حیطه اختیارات وزارت نیرو نیست. وزارت نیرو تنها می‌تواند انجمن‌هایی از این دست را در زمینه تشکیل و پیگیری خواسته‌هایشان کمک نماید. همانطور که به شما گفتم موضوع قنات هم‌اکنون در کشور و بویژه در وزارت نیرو جاری و ساری است. مطابق آمار هم که به شما دادم در خلال سال‌های ۸۵ تا ۹۳، یازده هزار و هشتصد و نود و شش مجوز لایروبی برای قنات صادر شده است. پس حمایت می‌کنیم که این قنات زنده باشند و ادامه حیات دهند. از آقای مهندس زارع در مورد هزینه مرمت قنات‌ها سوال کردند و گفتند پارسال حدود ۷ میلیارد تومان برای مرمت قنات هزینه شد. من پرسیدم امسال چقدر و ایشان گفتند ۲۰ میلیارد تومان. یعنی ۳ برابر، لذا از این همکاران که این سوال را مطرح کردند خواهش می‌کنم تا از ارگان‌های ذیربط دیگر مثل گنجینه ملی آب و مرکز بین‌المللی قنات هم که الان متولی آموزش و فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن موضوع قنات در کشور هستند پیگیری بکنند.

آقای دکتر فاضلی

سوال: خود دولت با حفر چاه‌هایی در شرف نابودی یک قنات ۳۰۰۰ ساله در کرمان با عنوان الکار است. چگونه دولتی که خود را حافظ قنات می‌شمارد دست به تخریب قنات ۳۰۰۰ ساله می‌زند؟

من فکر می‌کنم از خود دولت باید بپرسید ولی من پاسخم این هست که دولت یک واحد و یکپارچه نیست. دولت مجموعه‌ای از دستگاه‌ها و نهادهاست که اغلب تناقض‌های گسترده رفتاری با هم دارند. یعنی یک بخشی از قنات حمایت می‌کند و یک بخش دیگر تخریبش می‌کند. مشکل این هست آنی که تخریب می‌کند معمولاً زورش بیشتر است و این نافع این نیست که بخش‌هایی در درون دولت حامی قنات‌ها باشند. گفته‌اند که معمولاً باز هم دادگاه‌ها در حوزه قنات به نفع

قدرتمندان رای می‌دهند و به نفع آنها عمل می‌کنند. در صحبت‌ها گفتند هنوز هم هر کسی پول و پارتی داشته باشد می‌تواند چاه حفر بکند. این هم بخشی از آن فساد سازمان یافته‌ای است که درون نظام مدیریت منابع طبیعی ظهور کرده است. چه عواملی باعث شده است که فرهنگ گذشتگان خود را دنبال نکنیم (یعنی فراموش کنیم و دست به تخریب محیط بزنیم)؟ فکر می‌کنم در بخشی از صحبت آقای مهندس بهشتی بود که چه تغییراتی در حوزه فرهنگی صورت گرفت و چرا جامعه ایرانی وارد این فرهنگ شکارگری شده است. پرسیدند برای مقابله با چاه‌های غیر مجاز، بغیر از قوه قضاییه و دادگاه‌ها باید به کجا مراجعه نمود؟

آقای مهندس راعی

کسانی که در مجاورت منابع آبی‌شان چاه‌های غیر مجاز حفر می‌شود، باید این را بلافاصله به شرکت‌های آب منطقه‌ای در سطح استان‌ها اطلاع بدهند. آنها بلافاصله کارشناس می‌فرستند و بررسی می‌کنند و در صورتی که تشخیص داده شود که این چاه بعد از سال ۸۵ برای مسایل کشاورزی حفر شده است، بلافاصله طبق قانون آیین نامه تعیین و تکلیف چاه‌ها حکم می‌گیرند و اخطار می‌کنند که خودشان آن را پر بکنند و در صورتی که سرپیچی کنند، با مراجعه به قضایی، حکم گرفته و این چاه‌ها مسلوب می‌شوند.

آقای دکتر فاضلی

یک نکته انتقادی نسبت به وزارت نیرو طرح کرده‌اند و گفته‌اند که وزارت نیرو در حالی حمایت ظاهری از قنات می‌کند ولی در عمل به نوعی دشمن قنات هست. دلیلی که دوستان آورده‌اند این است که شرکت‌های آب منطقه‌ای بیشترین درآمدشان از محل فروش چاه هست و چون قنات‌ها حق‌النظاره نمی‌پردازند، وزارت نیرو هم خیلی نگران وضعیت قنات‌ها نیست. بنابراین این را به عنوان یک پارادوکس طرح کردند که وزارت نیرو خودش هم اعلام حمایت می‌کند و هم به دلیل فروش چاه‌ها بیشتر با آنها موافق هست تا با قنات‌ها. آقای دکتر سمسار هم می‌خواهند پاسخ دهند

آقای دکتر سمسار یزدی

این موضوعی که اشاره می‌کنند من فکر می‌کنم ریشه در قانون توزیع عادلانه آب دارد. قانون توزیع عادلانه آب، مجزا از قانون ملی شدن آب‌ها نیست که قبل از انقلاب تنظیم شد. در واقع بعد از انقلاب یک رنگ و لعابش عوض شد و گرنه همان قانون ماند. در زمان نگارش قانون ملی شدن آب‌ها، بیشتر کارشناسان تحت تاثیر مدرنیته در زمان خودشان بوده‌اند. به جای جای این قانون که شما نگاه می‌کنید می‌بینید که تفاوتی بین قنات و چاه منظور نشده است. یعنی در واقع هر جایی اسمی از چاه برده شده است قانونی هم در مقابلش گذاشته‌اند و همین هست که در واقع موجب شده تا دست شرکت‌های آب منطقه‌ای هم بسته شود و نتوانند از قنات‌ها آن‌طور که باید و شاید حمایت بکنند. مثلاً الان بنا به اظهارات آقای مهندس راعی متوجه شدید که وزارت نیرو ۱۱ هزار مجوز برای قنات‌ها صادر کردند، در صورتی که سوال اصلی این است که اصلاً قنات چه احتیاجی به مجوز لایروبی دارد؟ دیگر چکار می‌خواهد بکند؟ یعنی یک مقنی و یک متصدی قنات که به هر حال

داوطلبانه هم دارد فعالیت می‌کند، حالا باید پاشنه گیوه را بکشد و ۵۰ بار برود آب منطقه‌ای و پول به حساب شرکت آب بریزد و کارشناس بردارد با خودش بیاورد و با هزار سلام و صلوات کارشناس ببیند و مجوز به آن بدهد که آقا شما می‌توانید قنات‌تان را لایروبی کنید. همانجور که آقای دکتر اشاره کردند هزار سال این قنات‌ها وجود داشته و نسل به نسل داشتند لایروبی می‌کردند و الان هم دارند لایروبی می‌کنند. الان می‌گویند لایروبی کردن قرار هست ضرر به منابع آب بزند. وزارت نیرو که اینقدر می‌گوید برود بررسی کند و ببیند آیا حفر چاه به منابع آب ضرر نمی‌زند؟ من ۷ سالی که مهندس ناظر قنات بودم تمام تلاشم بر این بود که وزارت نیرو را قانع کنم که قنات‌ها مجوز لایروبی نمی‌خواهند که آخرش هم متأسفانه نتوانستیم این موضوع را در وزارت نیرو جا بیندازیم. علتش هم این هست که ریشه قانونی دارد، یعنی ما باید در واقع قانون را اصلاح بکنیم.

آقای مهندس راعی

همانطور که آقای دکتر سمسار فرمودند این ریشه در قانون دارد. الان وزارت نیرو قانون جامع آب را در دستور بازنگری دارد تا آن را به مجلس بدهند. یکی از بندهایی که روی آن جلسات متعددی تشکیل شده است این بحث قنات هست تا این موضوع لایروبی، تا آنجا که من در جریان هستم، دیگر نیازی به مجوز نداشته باشد.

آقای دکتر فاضلی

یک سوال پرسیدند من فکر می‌کنم خانم صادقی بیشتر می‌تواند پاسخ دهند. گفته‌اند آیا درست است که احیای قنات می‌تواند از طریق صنعت توریسم صورت بگیرد؟ بعد گفته‌اند آیا توریسم که الان وارد بافت‌های فرسوده شهر یزد شده است، نقشی در احیای بافت‌های فرسوده ایفا کرده است که الان اگر توریسم به قنات هم بیاید بتواند نقش مثبتی ایفا بکند؟ و به هر حال پرسیده‌اند آیا کشورهای دیگر نظیر چین در زمینه احیای قنات موفق عمل کرده‌اند یا نه؟

خانم صادقی

واقعیت این هست که وقتی که به طور معمول یک جایی توجه بین‌المللی پیدا می‌کند توجه مسئولین هم به آن منطقه بیشتر می‌شود. مثلاً الان در مورد زاینده رود چیزی که در دفتر ما اتفاق افتاده، این هست که از چندین ارگان مختلف از شهرداری و از آب منطقه‌ای و از میراث فرهنگی آمده و می‌گویند که می‌خواهیم با کمک یونسکو زاینده‌رود را به یک مورد بین‌المللی تبدیل بکنیم. چون وقتی که توجهات بین‌المللی به موضوع بشود، مسئولین هم توجه ویژه‌ای به سمت موضوع می‌آورند. مسلماً توریسم به خودی خود نمی‌تواند در احیا یا بازسازی قنات‌ها نقشی ایفا بکند. ولی وقتی مسئولین ببینند (مسئولین ذیربط اعم از سازمان آب منطقه‌ای و یا میراث فرهنگی) توریست‌ها علاقه دارند و با علاقه به آنجا می‌روند، آنها هم برایشان تصمیم‌گیری راحت‌تر هستند و یا حتی شاید در توجیه کردن همکاران خودشان برای تخصیص بودجه به این امور بهتر عمل کنند. آقای گریگوریس که الان رئیس سازمان ملل در ایران هستند، با خانواده‌شان سفری به یزد آمدند. من تماس گرفتم با مرکز بین‌المللی قنات آقای دکتر سمساری یزدی واقعاً خیلی کمک کردند و ایشان را با اینکه با خانواده‌شان

آمده بودند بردند تا از این قنات‌ها بازدید داشته باشند. از آن روز ایشان شیفته قنات‌ها شدند و هر جایی که می‌شود راجع به قنات‌های ایران صحبت می‌کنند. این بازخوردش این هست که در وزارت نیرو وقتی ایشان اینطوری با شور و هیجان راجع به قنات‌ها صحبت می‌کنند باز مسئولین توجه بیشتری به موضوع قنات‌ها می‌کنند. می‌خواهم بگویم تاثیر شاید مستقیم نباشد ولی غیر مستقیم قطعاً تأثیراتی دارد.

آقای دکتر بهشتی

سوال کرده‌اند که آیا مطالبی که قبلاً گفتم مانند نظر پرستاری و شکارگری، به شکل مفصل‌تر نوشته‌ام؟ بلی، یک سری مقالات نوشته‌ام که منتشر هم شده است و باز هم قول می‌دهم که بیشتر بنویسم. سوالی دیگری کرده بودند راجع به این که این بحث معاصر سازی که من اشاره کردم، آیا در مورد قنات هم می‌شود به کار بست؟ ما در مباحث نظری در همین ۷۰، ۸۰ سال یک دعوایی داریم بین سنت و مدرنیته که حالا اینجا هم اشاره شده است. در حقیقت حالا مدرنیته معاصر معادل طبع شکارگری هست برای همین هم برای آنها خیلی خوب هست و وقتی آنها معاصر می‌شوند می‌توانند پیشرفت بکنند. وقتی که شما پیشرفت در آنجا می‌بینید، علتش این هست که آن سنت اروپایی سنت شکارگری معاصر شد و اما متأسفانه ما آمده‌ایم معاصر شدن طبع شکارگری را برای خودمان داریم تجویز می‌کنیم. در صورتی که ما هم باید در پرستاریمان معاصر می‌شدیم. اما متأسفانه چون اصطلاح سنت را عمدتاً متجددین استفاده کردند سنت شد مترادف با جمود. در صورتی که همیشه یکی از ارکان سنت معاصر شدن هست. شما در معماری و در شهرسازی در هر چیزی که نگاه بکنید می‌بینید که ما هیچوقت شبیه آن چیزی که در دوره سلجوقی بودیم در دوره تیموری یا دوره سلجوقی نبودیم. ما معاصر شده بودیم. یعنی فناوری‌های جدید و امکانات جدید طبعاً بر آن سبک زندگی ما اثر گذاشت. خیلی تحولات را ما پذیرا بودیم، در مورد قنات هم ما باید معاصر شویم. اگر که پدران ما امکاناتی که امروز ما در اختیار داریم، داشتند کارشان را راحت انجام می‌دادند. یعنی شاید اینقدر خودشان را به زحمت نمی‌انداختند اما چه طوری؟ چه معاصر شدن معادل مدرنیته و تجدد نیست و معاصر شدن یکی از ارکان سنت است. در قنات هم همچین سنتی داریم و نکته دیگری که سوال کردند راجع به این بوده است که آیا موزه آب می‌تواند در این زمینه کمک بکند؟ بله، موزه‌های آب خیلی می‌توانند کمک بکنند. بخاطر اینکه وظیفه موزه‌ها یادآوری هست و به یاد آوردن هست. موزه‌ها در واقع می‌توانند به یاد ما بیاورند آن چیزی که ما فراموش کردیم. چون ما تغییر طرح ندادیم، حالمان خراب شد و انشاءالله حالمان که خوب بشود، دوباره رجوع می‌کنیم به طبع اصلی‌مان. این احوال ما خراب شده است. یعنی ما دچار آلزایمر شده‌ایم و موزه‌ها داروی آلزایمرند. البته آلزایمر هنوز دارویش پیدا نشده است. ولی در عرصه فرهنگ داروی آلزایمر داریم که آن هم موزه‌ها هستند. به شرط اینکه وظیفه‌شان را درست انجام دهند. یعنی باعث یادآوری شوند. یعنی حقیقتاً آن ساز کوک کرده باشند که باعث شوند گوش طرف هم کوک شود.

آقای دکتر فاضلی

بین دوستان هم می‌خواهند سوال شفاهی بپرسند.

آقای سعدی حاجی میرزایی

شما اگر از این پشت‌بام الان نگاه بکنید حدود ۲ کیلومتر در ۳ کیلومتر بیابان هم نمی‌بینید در حالی که در ۵۰ سال پیش همه چیز بود و کشت و کار بود ولی الان خشک شده است. قناتی داریم به اسم قنات آب شور و این قنات ریزش کرده است. کسانی که در آن سهام‌دار بودند رهایش کردند و رفتند و به دست بچه‌های اینها رسد و الان از بچه‌ها هم به نوه‌ها رسیده است. این قنات آب فراوان هم دارد. الان آن پشت‌ها را نگاه بکنید و ببینید چی دارد؟ کشت و کار دارد؟ الان خشک خشک هست و احتیاج به یک لایروبی دارد. اگر قنات‌ها و مقنیا را بیمه کنید این مشکلات کمی برطرف می‌شود. میلیاردها خرج می‌شود تا کسی بیاید قنات را درست بکند ولی با یک لایروبی مساله‌اش حل هست.

آقای مقنی

من خود را به اختصار مقنی معرفی می‌کنم. بگویم معرفی به صورت متخلص مقنی، که امروزه دیگر مفهومی ندارد. مجموعه کاری در زمینه قنات هست، چه از میرابش، چه از مقنی‌اش و چه از متصدی‌اش، حالا سال‌های سال هست که بابت ایجادش حداقلی قوانین دارد که به روز نشده است. چرا اصلاً و ابداً به روز شدن‌شان در نظر گرفته نشده است؟ شما که دستتون می‌رسد به آقایون بگویید آدم‌هایی که صدایشان مانده است چکار باید بکنند و با چه شرایطی باید امرارمعاش بکنند؟ نه بیمه‌ای و نه خدماتی انگار نه انگار. گویا شامل این موضوع شدند که خدا نگذرد شبی از مسکینی که دست ما نگرفتند و می‌توانستند.

یکی از حضار

موضوع حفاظت از قنات هست و من سوالی دارم اگر به قناتی تجاوز شود تعدی و شود خوب معمولاً شارکین و مالکین و زارعین آن قنات در صدد رفع تعدی برمی‌آیند. اگر ما به اصطلاحی شکایتی را به مرجع رسیدگی کننده ارسال کنیم و خود متولیان دچار تخلف شوند (نه یک مورد بلکه موارد متعدد)، ما چه انتظاری داریم؟ این نشست برگزار شده است قبلاً هم می‌شده و احتمالاً در آینده هم خواهد شد. بظاهر همه مسئولین دل می‌سوزانند و ما هم دلمان خوش شد به اینکه به اصطلاح دولت تغییر پیدا کرده و یک رویکرد جدیدی در پیش گرفته خواهد شد. ولی متأسفانه نگرانی ما به چند دلیل بیشتر شد. اولین دلیل این هست که پیش از این یک بحثی بود که همه مسئولین بلافاصله اعلام کردند که کار کارشناسی نبوده است. در صورتی که الان افرادی که از قبل هم بودند، ادعای کارشناسی دارند و تخلف می‌کنند و یک سری‌ها نیز نفوذی‌هایی بودند که الان ورود پیدا کرده‌اند. این دو نگرانی ما مردم را در مورد کارهای بزرگ صد در صد بیشتر کرده است. در مورد قنات علی‌آباد یزد، در تفت، که زمانی مرکز آب بود، بافت منطقه از نظر زمین‌شناسی آهکی و گسلی و بسیار شکسته است. اگر دامنه‌های شور به آن منطقه تعرض کند، حیات استان را نابود می‌کند. چند سال پیش ما در برابر این کار مقاومت کردیم و

مورد تهمت و افترا و فضای امنیتی قرار گرفتیم. کاری نبود که انجام ندهند. معدن مسی می‌خواستند در این منطقه بزنند و چاهی برای آن حفر کردند که عمقش هزار متر بود و در تمام سطوح کارشناسی کردند از جمله محیط زیست. شرکت آب منطقه‌ای سکوت مطلق کرد. اینجا نیاز به کارشناس دارد؟ هر آدم معمولی هم می‌داند تبعاتش چی هست و چه اتفاقی می‌افتد. آلودگی آب و خاک و همه اینها مطالعه شده است!

آقای مجید سریزدی

یک خبری بدهم و آن این هست که یکی از زمینه‌های حفظ قنات استفاده‌ها در بحث‌های گردشگری است که به همت بعضی از دوستان و پیشکسوتان اولین هتل قنات یا آنچه که هست به نام بوکن، احداث خواهد شد. هتل بوکن را به مناسبت این همایش و این نشست ما کلنگ می‌زنیم و امیدواریم که سال آینده در خدمت شما شاهد افتتاح اولین هتل قنات کشور و دنیا در ایران باشیم.

آقای مسعود فیاض

پدرم به پدر قنات ایران معروف شده است و خودم دو جلد کتاب نوشته‌ام یک قناتی را پیشنهاد داده‌ام به‌عنوان قنات گردشگری در استان یزد. پایان‌نامه تحصیلات خودم هم در رابطه با همین قنات بوده است. متأسفانه مطالبی که الان در جمع شما دارد عنوان می‌شود ما حدود ۱۰ سال پیش پیشنهادش را دادیم و در شورای استان و در استانداری مطرح و مصوب شده. به عنوان مثال ایده قنات گردشگری پیشنهاد شده و قنات هم انتخاب شده است. در مورد مقنی‌ها هم تشکیلی تشکیل دادیم و کلیه مقنی‌های ایران را جمع‌آوری کردم و یک بانک اطلاعاتی از آن‌ها جمع‌آوری کردم. یک سازمان مردم‌نهاد تشکیل دادیم و بیمه مقنی‌ها هم در جلسه هیات دولت با حضور آقای دکتر سمسار پیشنهاد شده بود و این مواردی است که الان جلسه شما مطرح می‌کند. ولی از طرف دولت هیچ حمایت و پیگیری نشده است. با توجه به اینکه طرح مصوب بوده است، اگر اجازه بفرمایید من مصوبات را برای شما ارسال خواهم کرد. متأسفانه پیگیری‌های قبلی نشده است. ما این خواسته، به خصوص بیمه مقنی‌ها، را از شما داریم.

آقای دکتر فاضلی

فکر می‌کنم سوال خیلی مهمی است پرسیدند. این روزها اخبار متعددی منتشر می‌شود که از آغاز مطالعات انتقال آب مانند انتقال آب از خلیج فارس به فلات مرکزی حکایت دارد. مستحضر هستید که این طرح‌ها هزینه‌های هنگفت به کشور تحمیل می‌کنند و غالباً تصور می‌شود طرح‌هایی از پیش شکست خورده‌ای هستند. وزارت نیرو چرا به جای پرداختن به بحران قنات‌ها و هزینه‌کردن بیشتر برای آنها، روی طرح‌های انتقال آب از مناطق دور دست سرمایه‌گذاری می‌کند؟

آقای مهندس راعی

ببینید در مدیریت منابع آب دو تا برنامه کلان هست. یکی مدیریت سازه‌ای و یکی مدیریت غیرسازه‌ای. مدیریت غیر سازه‌ای یعنی همان استفاده از منابع آب و به صورت درستش یعنی ما یک عرضه داریم و یک تقاضا. تا کی همه‌اش عرضه کنیم؟ ما باید بتوانیم بدرستی از منابع آب استفاده بکنیم. وقتی می‌گوییم استاندارد استفاده آب برای یک نفر بایستی رعایت بشود. سرانه مصرف آب در اروپا ۱۵۰ لیتر در شبانه‌روز بوده و چون ما در منطقه خشک و نیمه خشک قرار گرفته‌ایم این ۱۵۰ لیتر بایستی به مقداری مانند ۱۶۰ تا ۱۷۰ لیتر در روز افزایش یابد. ما باید یک مقدار خودمان را هم با شرایط طبیعی و با آن چه در اختیارمان هست تطبیق بدهیم و برای نسل آینده و در راستای توسعه پایدار از منابع موجود استفاده بکنیم. ولی تغییر رویکرد وزارت نیرو از سازه‌ای به غیرسازه‌ای زمان می‌برد تا نهادینه شود. چرا ما نباید از منابع آب خلیج فارس و دریای عمان که کشورهای همسایه‌مان هم دارند استفاده می‌کنند استفاده کنیم؟ و این هم در طرحی است که بخش خصوصی در آن وارد شده است و با مشارکت معدن گل گهر، سنگ آهن چادرملو، معدن بهادران و مس هست که دارد انجام می‌شود. انشالله که ما بتوانیم مدیریت غیر سازه‌ای را به عنوان گزینه ارجح و استفاده این انتقال آب از یک حوزه به حوزه دیگر را به عنوان آخرین تیر ترکش مدیریت منابع آب نهادینه کنیم. امیدواریم که با مدیریت غیرسازه‌ای که در مدیریت منابع آب انجام می‌شود زیاد آن پروژه‌ها پررنگ نباشد. در سوال دوم پرسیدند که اگر شرکت آب منطقه‌ای چاه غیر مجاز حفر بکند ما چه باید بکنیم کجا شکایت بکنیم؟ البته شرکت آب منطقه‌ای هیچ وقت چاه غیر مجاز حفر نمی‌کند. این شرکت‌ها فقط یک وظیفه دارند که آن هم تأمین آب شرب و بهداشت مردم هست. آن هم دولت دستش را باز گذاشته است که هر وقت شما دیدید که بحران آب شد، اجازه دارید چند حلقه چاه آب بزیند و در اختیار آب و فاضلاب روستایی یا شهری قرار دهید. اخیراً هم که معاون محترم وزیر نیرو در یزد بودند، این اجازه را آب منطقه‌ای یزد هم دادند که چند حلقه چاه حفر کنند. یک سوالی هم یکی از دوستانمان کرده بود که به قنات بها نمی‌دهند چون آبش ارزش ندارد در حالی که آب منطقه‌ای آب چاه را برای کشاورزی می‌فروشد. اینجوری نیست. قبل از سال ۸۵ بحثی داشتیم به نام حق‌النظاره که از هر چاهی بسته به نوع کشتش حالا پسته بود، یونجه بود یا ... یک حق‌النظاره گرفته می‌شد. سال ۸۵ مجلس شورای اسلامی آمد و این گرفتن حق‌النظاره را برای کشاورزی ممنوع کرد. کشور خشک و نیمه خشکی که ۹۰ درصد آبش دارد صرف کشاورزی می‌شود و همه‌اش هم که ما صحبت از صرفه‌جویی می‌کنیم و می‌گوییم مردم نخورید و نیاشامید و این تازه همه‌اش ۷ درصد کل آب مملکت ماست که صرف شرب و بهداشت می‌شود و ما همه هم چکش را زده‌ایم در سر مردم. بابا آن ۹۰ درصد را که به اینصورت مصرف می‌شود آن را بیا درست بکن. وقتی که سال ۸۵، آقای زارع هم اینجا هستند، می‌آیند آب کشاورزی را مجانی می‌کنند، اصلاً دیگر صحبت بهره‌وری و ارتقا و اینها را اصلاً خط بطلان باید بکشید. وقتی آب به قیمت واقعی‌اش نرسد، کلمه بهره‌وری پوچ هست و این هست که آب چاه هم برای کشاورزی مجانی هست. ولی آگاه باشید که هیچ وقت آب منطقه‌ای، آب چاه را نمی‌فروشد.

